حدیث از امام حسن علیه السلام

دانشنامه احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۸۰ حدیث از امام حسن علیه السلام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۸۰ حدیث از امام حسن علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور:۱۸۰ حدیث از امام حسن علیه السلام/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۳ق. ، خاندان نبوت -- احادیث ، خاندان نبوت -- فضایل

حدیث۱

امام حسن علیه السلام :

ما تَشاوَرَ قَومٌ إلّا هُدُوا إلی رُشدِهِم ؛

امام حسن علیه السلام :هیچ قومی با یکدیگر مشورت نکردند مگر آن که به راه پیشرفت خود رهنمون شدند .

تحف العقول ، ص ۲۳۳ .

حدیث۲

امام حسن علیه السلام :

إنَّ الَّذی یُؤتی إلَیَّ ، سَمٌّ یُدَسُّ إلَیَّ فَأُقتَلُ بِهِ ولکِن لایَومَ کَیومِکَ یا أباعَبدِاللّهِ ؛

امام حسن علیه السلام :آنچه به من می رسد، زهری است که با دسیسه به کامم ریخته می شود، امّا ای ابا عبد اللّه هیچ روزی مانند روز [مصیبت] تو نیست .

الأمالی، صدوق ، ص ۱۷۷ .

حدیث۳

امام حسن علیه السلام :

لاتُعاجِلِ الذَّنبَ بِالعُقُوبَةِ واجْعَلْ بَینَهُما لِلاِعتِذارِ طَریقا ؛

امام حسن علیه السلام :در مجازات خطا کار شتاب مکن و میان خطا ومجازات، راهی برای عذرخواهی قرار ده .

بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۱۳ .

حدیث۴

امام حسن علیه السلام :

صاحِبِ النّاسَ مِثلَ ما تُحِبُّ أن یُصاحِبوکَ بِهِ ؛

امام حسن علیه السلام :با مردم به گونه ای رفتار کن که دوست داری با تو آن گونه رفتار کنند .

. أعلام الدّین ، ص ۲۹۷ .

حدیث۵

امام حسن علیه السلام :

إنَّ أَحسَنَ الحَسَنِ الخُلُقُ الحَسَنِ ؛

امام حسن علیه السلام :نیکوترین نیکو ، خُلق نیکو است .

. الخصال ، ص ۲۹.

حدیث۶

امام حسن علیه السلام :

مَن عَبَدَ اللّه َ عَبَّدَ اللّه ُ لَهُ کُلَّ شَیءٍ ؛

امام حسن علیه السلام :هر کس خدا را بندگی کند ، خداوند همه چیز را بنده او گرداند .

. تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۰۸ .

حدیث۷

امام حسن علیه السلام :

اللُّؤمُ أن لاتَشکُرَ النِّعمَةَ ؛

امام حسن علیه السلام :پستی آن است که نعمت را سپاس نگویی .

. تحف العقول ، ص ۲۳۳ .

حدیث۸

امام حسن علیه السلام :

کَفاکَ مِن لِسانِکَ أوضَحَ لَکَ سَبیلَ رُشدِکَ مِن غَیِّکَ ؛

امام حسن علیه السلام :همین مقدار بهره برداری از زبانت برایت بس که راه هدایت را از گمراهی برایت آشکار می کند .

. بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۱۴ .

حدیث۹

امام حسن علیه السلام :

ولَعَمری إنّا لَأعلامُ الهُدی و مَنارُ التُّقی ؛

امام حسن علیه السلام :به جانم قسم که ما پرچم های هدایت و نشانه های روشن پرهیزگاری هستیم .

. تحف العقول ، ص ۲۳۳ .

حدیث۱۰

امام حسن علیه السلام :

مَن تَذَكَّرَ بُعدَ السَّفَرِ اعتَدَّ ؛

امام حسن علیه السلام :هر که دوری [راه] سفر را به یاد آورد ، آماده خواهد شد.

همان ، ص ۲۳۶ .

حدیث۱۱

امام حسن علیه السلام :

المِزاحُ يَأكُلُ الهَيبَةَ ؛

امام حسن علیه السلام :شوخی هیبت را می بَرد .

بحار الأنوار ، ج ۷۸، ص ۱۱۳ .

حدیث۱۲

امام حسن علیه السلام :

إنَّ مُعاوِيَةَ نازَعَنى حَقّا هُوَ لى فَتَرَكتُهُ لِصَلاحِ الاُمَّةِ و حَقنِ دِمائِهِم ؛

امام حسن علیه السلام :معاویه در حقی که از آنِ من بود با من ستیز کرد و من برای صلاح امّت و جلوگیری از ریختن خونشان آن را واگذاردم .

. بحار الأنوار ، ج ۴۴ ، ص ۳۰ .

حدیث۱۳

امام حسن علیه السلام :

ما أنَا بِمُذِلِّ المُؤمِنينَ ولكِنّى مُعِزُّ المُؤمِنينَ ، إنّى لَمّا رَأَيتُكُم لَيسَ بِكُم عَلَيهِم قُوَّةٌ سَلَّمتُ الأمرَ لِأَبقى أنا و أنتُم بَينَ أظهُرِهِم ، كَما عابَ العالِمُ السَّفينَةَ لِتَبقى لِأَصحابِها و كَذلِكَ نَفسِى و أنتُم لِنَبقى بَينَهُم ؛

امام حسن علیه السلام :من نه خوارکننده مؤمنان ، بلکه عزّت بخش آنانم . وقتی دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید ، کار را به او واگذاشتم تا من و شما در میان آنان باشیم . همچنان که آن فرزانه [خضر] کشتی را سوراخ کرد تا برای صاحبانش باقی بماند ، و این چنین است حکایت من و شما تا در میان آنها باقی بمانیم .

میزان الحکمه ، ح ۱۰۵۱ .

حدیث۱۴

امام حسن علیه السلام :

إنَّ اللّه َ جَعَلَ شَهرَ رَمضانَ مِضمارا لِخَلقِهِ فَيستَبِقونَ فيهِ بِطاعَتِهِ إلى مَرضاتِهِ ؛

امام حسن علیه السلام :خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه ای برای آفریدگان خود قرار داده تا با طاعتش برای خشنودی او از یکدیگر پیشی گیرند .

تحف العقول ، ص ۲۳۶ .

حدیث۱۵

امام حسن علیه السلام :

أحسِن جِوارَ مَن جاوَرَکَ تَکُن مُسلِماً؛

امام حسن علیه السلام :با همسایه ات به نیکی همسایگی کن تا مسلمان باشی .

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۲.

حدیث۱۶

امام حسن علیه السلام :

القَریبُ مَن قَرَّبَتهُ المَوَدَّةُ وان بَعُدَ نَسَبُهُ؛

امام حسن علیه السلام : خویشاوند کسی است که دوستی سبب خویشاوندی او است، اگرچه نسبش دور باشد.

تحف العقول، ص ۱۶۸.

حدیث۱۷

امام حسن علیه السلام :

مَنِ اتَّکَلَ عَلی حُسنِ الاِختیارِ مِنَ اللّه ِ لَهُ لَم یَتَمَنَّ أنَّهُ فی غَیرِ الحالِ الَّتِی اخْتارَهَا اللّه ُ؛

امام حسن علیه السلام :هر که به حُسن اختیار خدا برای او اعتماد کند، آرزو نمی کند که در حالتی جز آنچه خدا برایش اختیار کرده است، باشد.

تحف العقول، ص ۱۶۹.

حدیث۱۸

امام حسن علیه السلام :

لایَغُشُّ العاقِلُ مَنِ استَنصَحَهُ؛

امام حسن علیه السلام :خردمند به کسی که از او نصیحت می خواهد، خیانت نمی کند.

همان، ص ۱۲۰.

حدیث۱۹

امام حسن علیه السلام :

عَلَیکم بِالفِکرِ، فَإنَّهُ حَیاةُ قَلبِ البَصیرِ ومَفاتیحُ أبوابِ الحِکمَةِ؛

امام حسن علیه السلام :بر شما باد به تفکّر، که تفکّر مایه حیات قلب شخص بصیر و کلید درِ حکمت است.

إعلام الدین، ص ۲۹۷.

حدیث۲۰

امام حسن علیه السلام :

لامُرُوَّةَ لِمَن لاهِمَّةَ لَهُ؛

امام حسن علیه السلام :بی همّت را مردانگی نباشد.

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۱۷.

حدیث۲۱

امام حسن علیه السلام :

تَمامُ الصَّنیَعةِ خَیرٌ مِن ابتِدائِها؛

امام حسن علیه السلام :تمام کردن احسان از آغاز کردن آن بهتر است .

همان، ج ۷۸، ص ۱۱۱.

حدیث۲۲

امام حسن علیه السلام :

ما تَشاوَرَ قَومٌ إلاّ هُدُوا إلی رُشدِهِم ؛

امام حسن علیه السلام :هیچ گروهی با هم مشورت نکردند ، مگر آن که به راه پیشرفت خود رهنمون شدند .

. تحف العقول ، ص ۲۳۳ .

حدیث۲۳

امام حسن علیه السلام :

اَلإخاءُ الوَفاءُ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخاءِ ؛

امام حسن علیه السلام :نشانه برادری ، وفاداری در سختی و آسایش است .

. بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۱۴ .

حدیث۲۴

امام حسن علیه السلام :

مَن عَدَّدَ نِعَمَهُ ، مَحَقَ کَرَمَهُ ؛

امام حسن علیه السلام :هر کس احسان های خود را برشمرد ، بخشندگی خود را تباه کرده است .

. همان ، ج ۷۴ ، ص ۴۱۷ .

حدیث۲۵

امام حسن علیه السلام :

اَلمَعروفُ مالَم يَتَقَدَّمهُ مَطَلٌ و لَم يَتبَعهُ مَنٌّ ؛

امام حسن علیه السلام :احسان آن است که تأخیری در پیش و منّتی در پس نداشته باشد .

. همان ، ج ۷۸ ، ص ۱۱۵ .

حدیث۲۶

امام حسن علیه السلام :

إذا سَمِعتَ أحَدا يَتَناوَلُ أعراضَ النّاسِ فَاجتَهِد أن لايَعرِفَكَ ؛

امام حسن علیه السلام :هر گاه شنیدی شخصی آبروی مردم را می ریزد ، بکوش تا تو را نشناسد .

. همان ، ج ۷۴ ، ص ۱۹۸ .

حدیث۲۷

امام حسن علیه السلام :

لَقَد فارَقَكُم رَجُلٌ بِالأمسِ لم يَسبِقهُ الأوَّلونَ و لايُدرِكُهُ الآخِرونَ ؛

امام حسن علیه السلام :دیروز مردی شما را ترک کرد که پیشینیان بر او پیشی نگرفتند و پسینیان به او نمی رسند .

. إحقاق الحق ، ج ۱۱ ، ص ۱۸۳ .

حدیث۲۸

امام حسن علیه السلام :

كـانَ رَسولُ اللّه صـلى الله عليه و آله فَخْمـا مُفَخَّمـا... يَتَـكَلَّمُ بِجَوامِعِ الكَلِمِفَصْلًا لا ـ فُضولَ فيهِ و لا ـ تَقصـيرَ. دمثـا، لَيْسَ بِالجـافى و لا بِالْمَهينِ تَعظُمُ عِنْدَهُالنِّعْمَةُ و انْ دَقَّت لا يَذُمُّ مِنها شَيئا غَيْرَ اَنَّهُ كانَ لا يَذُمُّ ذَواقا و لا يَمدَحُهُ و لا تُغضِبُهُالدُّنْيا و ما كانَ لَها، فَاِذا تُعوطىَ الحَقّ لَم يَعْرِفهُ اَحَدٌ، و لَم يَقُمْ لِغَضَبِهِ شَى ءٌ حَتّيَنتَصِرَ لَهُ... ؛

رسول اکرم صـلی الله علیه و آله (در نظرها) با شکوه و بزرگوار بودند... سخنانی کوتاه، جامع و بی چونو چرا می گفتند بدون کم و زیـاد، نرم خو و مهربـان بودنـد، در حق کسـی ظلم نمی کردنـد،کسـی را خوار نمی شـمردند، نعمت را اگر چه کم بود، بزرگ می دانسـتند و چیزی از آن رانکوهش نمی کردنـد، از مزه غـذا نه بـد می گفتنـد و نه تعریف می کردنـد، دنیا و آنچه به آنمرتبط اسـت ایشان را خشـمگین نمی ساخت و هرگاه حقی ضایع می شد، احدی راملاحظه نمی کردند و چیزی باعث رفع خشمشان نمی شد، تا آن که حق را حاکم سازند.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸۳

حدیث۲۹

امام حسن علیه السلام :

لَيْسَتِ العِفَّةُ بِدافِعَةٍ رِزْقا وَ لاَ الْحِرْصُ بِجالِبٍ فَضْلًا فَاِنَّ الرِّزْقَمَقْسومٌ وَ اسْتِعْمالُ الْحِرْصِ اسْتِعْمالُ الْمَآثِمِ؛

نه پاکـدامنی، روزی را از انسـان دور می کنـد و نه حرص، روزی زیاد می آورد؛ چونروزی قسـمت شـده است و حرص زدن باعث

مبتلا شدن به گناهان می شود.

تحف العقول، ص ۲۳۴

حدیث۳۰

امام حسن علیه السلام :

زَوِّجْها مِنْ رَجُلٍ تَقیٍّ فَاِنَّهُ اِنْ اَحَبَّها اَكْرَمَها وَ اِنْ اَبْغَضَهالَمْ یَظْلِمْها؛

دخترت را به ازدواج مردی با تقوا درآور؛ زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد،گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به او ظلم نمی کند.

مكارم الاخلاق، ص ۲۰۴

حدیث۳۱

امام حسن علیه السلام :

اَلنّاسُ اَرْبَعَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ خُلقٌ وَ لا خَلاقَ لَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُخَلاقٌ وَ لا خُلقَ لَهُ، قَدْ ذَهَبَ الرّابِعُ وَ هُوَ الَّذی لا خَلاقَ وَ لا خُلقَ لَهُ وَ ذلِكَ شَرُّ النّاسِوَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ خُلقٌ وَ خَلاقٌ فَذلِكَ خَیْرُ النّاسِ؛

مردم چهار دسته اند: دسته ای از آنها اخلاق دارند، امّا بهره ای (از دنیا) ندارند.دسته ای بهره مندند، اما اخلاق ندارند. دسته ای نه بهره ای (از دنیا) و نه اخلاق دارند كهاینها بدترین مردم اند. و دسته ای كه هم اخلاق دارند و هم (از دنیا) بهره مندند كه اینان،بهترین مردم اند.

بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۱۰، ح ۸

حدیث۳۲

امام حسن علیه السلام :

لَوْ اَنَّ النّاسَ سَمِعوا قَوْلَ اللّه عَزَّوَجَلَّ وَ رَسولِهِ لَاَعْطَتْهُمُ السَّماءُقَطْرَها وَ الْاَرْضُ بَرَكَتَها وَ لَما اخْتَلَفَ فی هذِهِ الْاُمَّةِ سَیْفانِ وَ لَاَكَلوها خَضْراءَخَضِرَةً اِلی یَوْمِ الْقیامَةِ؛

اگر مردم سخن خدا و پیامبرش را می شنیدند، آسمان بارانش را و زمین بركتش را بهآنان می بخشید و هرگز در این امّت، اختلاف و زدوخورد پیش نمی آمد و همه از نعمتسر سبز دنیا تا روز قیامت، برخوردار می شدند.

امالی طوسی، ص ۵۶۶، ح ۱۱۷۴

حدیث۳۳

امام حسن علیه السلام :

قیلَ : فَمَا الدَّنِیَّةُ؟ قالَ : النَّظَرُ فِی الیَسیرِ ومَنعُ الحَقیرِ؛

پرسیدند : فرومایگی چیست؟ فرمود : «خُرده بینی و دریغ کردن اندک».

حدیث۳۴

امام حسن علیه السلام :

قیلَ : فَمَا الشُّحُّ؟ قالَ : أن تَری ما فی یَدَیکَ شَرَفاً وما أنفَقتَهُ تَلَفاً؛

پرسیدند : بخل چیست؟ فرمود : «آنچه را در دست خود ببینی [و نگهداری]، مایه شرف پنداری و آنچه را انفاق کنی، از دست رفته بدانی.

حدیث۳۵

امام حسن علیه السلام :

قیلَ فَمَا الفَقرُ؟ قالَ : شَرَهُ النَّفسِ إلی کُلِّ شَیءٍ؛

پرسیدند : نیازمندی چیست؟ فرمود : «آزمندی نفس به هر چیز».

حدیث۳۶

امام حسن علیه السلام :

ما تَشاوَرَ قَومٌ إلاّ هُدُوا إلی رُشدِهِم؛

هیچ مردمی با هم مشورت نمی کنند، مگر آن که به راه پیشرفتِ خویش رهنمون خواهند شد.

حدیث۳۷

امام حسن علیه السلام :

اَللّومُ أن لاتَشکُرَ النِّعمَةَ؛

فرومایگی این است که سپاسِ نعمت نگزاری.

حدیث۳۸

امام حسن علیه السلام :

اَلقَریبُ مَن قَرَّبَتهُ، المَوَدَّةُ وإن بَعُدَ نَسَبُهُ، والبَعیدُ مَن باعَدَتهُ المَوَدَّةُ وإن قَرُبَ نَسَبُهُ؛

خویشاوند، کسی است که دوستی، او را به آدمی نزدیک ساخته، گرچه

نژاد (و تبار) او دور باشد؛ و بیگانه کسی است که از دیدگاه دوستی دور است، هر چند تبار (و نژاد) او نزدیک باشد.

حدیث۳۹

امام حسن علیه السلام :

مَنِ اتَّکَلَ عَلی حُسنِ الاِختِیارِ مِنَ اللّه لَهُ لَم یَتَمَنَّ أنَّهُ فی غَیرِ الحالِ الَّتِیاختارَهَا اللّه ُ لَهُ؛

هر که بر نیکْ گزینیِ خداوند پشتْ گرم باشد ، آرزو نمی کند در وضعی جز آن که خدا برایش اختیار فرموده ، قرار گیرد.

حدیث۴۰

امام حسن علیه السلام :

اَلخَیرُ الَّذی لاشَرَّ فیهِ : اَلشُّکرُ مَعَ النِّعمَهِ وَالصَّبرُ عَلَی النّازِلَهِ؛

خیری که هرگز شرّی در آن نیست ، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری هاست.

حدیث۴۱

امام حسن علیه السلام :

حدیث۴۲

امام حسن علیه السلام :

سُئِلَ عَنِ المُرُوَّهِ؟ فقالَ : شُحُّ الرَّجُلِ عَلی دینِهِ وإصلاحُهُ مالَهُ وقیامُهُ بِالحُقوقِ؛

او را از مردانگی پرسیدند [که چیست] . فرمود : این که مرد دریغش آید بر دین خود [که چیزی از آن بکاهد] ، و اصلاح مال است [به نیامیختن حرام و پرداختن زکات] و بر پا داشتن حقوق (و فرایض).

حدیث۴۳

امام حسن علیه السلام :

اَلتَّقوی بابُ کُلِّ تَوبَهٍ ورَأسُ کُلِّ حِکمَهٍ وشَرَفُ کُلِّ عَمَلٍ؛

تقوا ، باب هر توبه و سرآمد هر حکمت ، و [مایه] شرافت هر کاری است .

حدیث۴۴

امام حسن علیه السلام :

إذا أضَرَّتِ النَّوافِلُ بِالفَریضَهِ فَارفَضوها؛

هرگاه مستحبّات به واجبات زیان رساند [و مانع انجام دادن فرایض شود] ، آنها را ترک کنید.

حدیث۴۵

امام حسن علیه السلام :

مَن تَذَکَّرَ بُعدَ السَّفَرِ اعتَدَّ؛

هر که دوری راه سفر را به یاد آرد ، [با توشه گرفتن] آماده شود.

حدیث۴۶

امام حسن علیه السلام :

لایَغُشُّ العاقِلُ مَنِ استَنصَحَهُ؛

خردمند ، به کسی که از او راهنمایی مشفقانه بخواهد ، خیانت نکند.

حدیث۴۷

امام حسن علیه السلام :

إذا لَقِیَ أحَدُکُم أخاهُ فَلیُقَبِّل مَوضِعَ النُّورِ مِن جَبهَتِهِ؛

هرگاه یکی از شما با برادر خود دیدار کند ، باید محلّ نورخیز پیشانی او را ببوسد.

حدیث۴۸

امام حسن علیه السلام :

لَمّا نَزَلَت آیَةُ التَّطهیرِ جَمَعَنا رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فی کِساءٍ لِاُمِّ سَلَمَةَ خَیبَرِیٍّ، ثُمَّ قالَ: اللّهُمَّ هؤُلاءِ أهلُ بَیتی وعِترَتی، فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهِّرهُم تَطهیرًا

امام حسن علیه السلام : چون آیه تطهیر نازل شدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله ما را در عبایی خیبری که از آن امّ سلمه بود گرد آورد و فرمود: بار خدایا! اینان اهل بیت و عترت من هستند، پس هر گونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملًا پاکشان گردان.

المناقب لابن المغازلیّ : ۳۰۲ / ۳۴۶ ، أمالی الطوسیّ : ۵۵۹ / ۱۱۷۳ ، وراجع مجمع البیان : ۸ / ۵۶۰ کلّها عن زاذان .

حدیث۴۹

امام حسن علیه السلام :

ـ فی خُطبَةٍ حینَ قُتِلَ عَلِیٌّ علیه السلامفَحَمِدَ اللّهَ وأثنی عَلَیهِ ، ثُمَّ قالَ ـ : أنَا ابنُ البَشیرِ وأنَا ابنُ النَّذیرِ ، وأنَا ابنُ الدّاعی إلَی اللّهِ بِإِذنِهِ ، وأنَا ابنُ السِّراجِ المُنیرِ ، وأنَا مِن أهلِ البَیتِ الَّذی کانَ جِبریلُ یَنزِلُ إلَینا و یَصعَدُ مِن عِندِنا ، وأنَا مِن أهلِ البَیتِ الَّذی أذهَبَ اللّهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرَهُم تَطهیرًا

امام حسن علیه السلام به هنگام شهادت حضرت علی علیه السلام در خطبه ای پس از حمد و ثنای الهی فرمود: منم فرزند مژده دهنده و بیم دهنده و فرزند کسی که با اذن خدا به سوی او فرا می خواند. منم فرزند آن چراغ پرتو افشان، من از اهل بیتی هستم که جبرئیل به سوی ما نازل می شد و از نزد ما اوج می گرفت. من از اهل بیتی هستم که خداوند هر گونه پلیدی را از آنها دور کرده کاملًا پاکشان گردانیده است.

المستدرک علی الصحیحین : ۳ / ۱۸۸ / ۴۸۰۲ عن عمر بن علیّ عن الإمام زین العابدین علیه السلام ، مقاتل الطالبیّین : ۶۲ عن زید بن علیّ بن الحسین بن زید بن الحسن ؛ الإرشاد : ۲ / ۷ عن أبی إسحاق السبیعی وغیره ، بشارة المصطفی : ۲۴۰ ولیس فی الثلاثة الأخیرة «وأنا من أهل البیت الّذی کان جبریل ینزل إلینا و یصعد من عندنا» ، أمالی الطوسیّ : ۲۶۹ / ۵۰۱ کلاهما عن أبی الطفیل ،

مسائل عليّ بن جعفر : ۳۲۸ / ۸۱۸ عن عمر بن الإمام عليّ عليه السلام ، إعلام الورى : ۲۰۸ كلاهما نحوه .

حديث۵۰

امام حسن عليه السلام :

ـ فى خُطبَةٍ لَهُ ـ : يـا أهلَ العِراقِ ، اِتَّقُوا اللّه َ فينا ، فَإِنّا اُمراؤُكُم وضـيفانُكُم ، ونَحنُ أهلُ البَيتِ الَّذى قالَ اللّه ُ عَزَّوجَلَّ : «إنَّما يُريـدُ اللّه ُ لِيُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أَهلَ البَيتِ ويُطَهِّرَكُم تَطهيرًا

امـام حسن عليه السـلام : در خطبه اى: اى اهـل عراق! در حقّ مـا تقوا در پيش گيريـد كه مـا امرا و ميهمانان شـما هستيم و اهل بيتى هستيم كه خداوند در حقّ ما فرموده است: «اِنَّما يُريدُ اللّه ُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ البيتِ ويُطَهِّرَكُمْ تَطهيراً» .

المعجم الكبير : ۳ / ۹۳ / ۲۷۶۱ ، المناقب لابن المغازليّ : ۳۸۲ / ۴۳۱ ، تاريخ دمشق «ترجمة الإمام الحسن عليه السـلام»: ۱۸۰ / ۳۰۴ و۳۰۵ كلّها عن أبي جميلة ، وأيضًا : ۱۸۲ / ۳۰۶ و ۳۰۷ عن هلال بن يساف .

حديث۵۱

امام حسن عليه السلام :

ـ فيما جَرى بَينَهُ و بَينَ عَمرِو بنِ العاصِ ـ : إيّاكَ عَنّى فَإِنَّكَ رِجسٌ ، ونَحنُ أهلُ بَيتِ الطَّهارَةِ أذهَبَ اللّه ُ عَنَّا الرِّجسَ وطَهَّرَنا تَطهيرًا

امـام حسن عليه السـلام در مـاجرايى ميـان ايشـان و عمرو بن عاص: از من دور شو كه تو پليـدى وپلشتى هستى و ما خانـدان پاكى و پاكيزگى هستيم كه خداوند پليدى و پلشتى را از ما دور كرده، كاملاً پاكمان گردانيده است.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ۱۶ / ۲۸ .

حديث۵۲

امام حسن عليه السلام :

إنّا أهلُ بَيتٍ أكرَمَنَا اللّه ُ بِالإِسـلامِ ، واختارَنا واصـطَفانا واجتَبانا ، فَأَذهَبَ عَنَّا الرِّجسَ وطَهَّرَنا تَطهيرًا ، والرِّجسُ هُوَ الشَّكُّ ، فَلا نَشُـكُّ فِى اللّه ِ الحَقِّ ودينِهِ أبَدًا ، وطَهَّرَنا مِن كُلِّ أفنٍ وغَيَّةٍ

امام حسن عليه السـلام : ما از خاندانى هستيم كه خداوند با اسـلام گراميمان داشته است و ما را برگزيده، انتخابمان كرده است و هر گونه پليـدى و رجس را از ما دور كرده كاملاً پاكمان گردانيده است. پليدى و رجس، همان شكّ است و ما هرگز در وجود خداى حقّ و دين او ترديد نمى كنيم. خداوند ما را از هرگونه سست رأيى و گمراهى پاك گردانيده است.

أمالي الطوسيّ : ۵۶۲ / ۱۱۷۴ عن عبدالرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

حديث۵۳

امام حسن عليه السلام :

ـ فى بَيانِ قَولِهِ تَعالى : «نَدعُ أبناءَنا وأبناءَكُم ...» ـ : أخرَجَ رَسولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله مِنَ الأَنفُسِ مَعَهُ أبى ، ومِنَ البَنينَ إيّاىَ وأخى ، ومِنَ النِّساءِ اُمّى فاطِمَةَ مِنَ النّاسِ جَميعًا ، فَنَحنُ أهلُهُ ولَحمُهُ ودَمُهُ ونَفسُهُ ، ونَحنُ مِنهُ وهُوَ مِنّا

عبـدالرحمن بن كثير به نقل از جعفر بن محمّـد به نقل از پـدرش به نقل از جـدّش به نقل از حسن بن على عليه السـلام ـ در بيان آيه شريفه «نَـدْعُ اَبْناءَنا وَاَبناءَكم...» ـ : پيامبر صـلى الله عليه و آله خارج شـد در حالى كه از «اَنْفُس»، پـدرم با او بود و از فرزنـدان، من و

برادرم بودیم و از زنـان از میان همه مردمان، مادر من فاطمه بود. ما خانـدان او و گوشت و خون و جان اوییم، ما از او هستیم و او از ماست.

أمالی الطوسیّ : ۵۶۴ / ۱۱۷۴ ، ینابیع المودّة : ۱ / ۱۶۵ / ۱ .

حدیث۵۴

امام حسن علیه السلام :

نَظَرَ أبو نُواسٍ إلی أبِی الحَسَنِ عَلِیِّ بنِ موسیَ الرِّضا علیهماالسلام ذاتَ یَوم وقَد خَرَجَ مِن عِندِ المَأمونِ عَلی بَغلَةٍ لَهُ ، فَدَنا مِنهُ أبو نُواسٍ ، فَسَلَّمَ عَلَیهِ وقالَ : یَا بنَ رَسولِ اللّه ، قَد قُلتُ فیکَ أبیاتًا فَاُحِبُّ أن تَسمَعَها مِنّی ، قالَ : هاتِ ، فَأَنشَأَ یَقولُ :

مُطَهَّرونَ نَقِیّاتٌ ثِیابُهُمُ تَجری الصَّلاةُ عَلَیهِم أینَما ذُکِروا

مَن لَم یَکُن عَلَوِیًّا حینَ تَنسِبُهُ فَما لَهُ مِن قَدیمِ الدَّهرِ مُفتَخَرُ

فَاللّه ُ لَمّا بَرا خَلقًا فَأَتقَنَهُ صَفّاکُمُ وَاصطَفاکُم أیُّهَا البَشَرُ

فَأَنتُمُ المَلَأُ الأَعلی وعِندَکُمُ عِلمُ الکِتاب وما جاءَت بِهِ السُّوَرُ

فَقالَ الرِّضا علیه السلام : قَد جِئتَنا بِأَبیاتٍ ما سَبَقَکَ إلَیها أحَدٌ

ابوالحسن محمّـد بن یحیی فارسـی: روزی ابو نؤاس به ابو الحسن علی بن موسـی الرضـا علیه السـلامنگریست و این در حالی بود که حضـرت علیه السـلام سوار بر استری از نزد مـأمون خـارج می شـد. ابو نؤاس به ایشان نزدیک شـد و درود فرسـتاد و گفت: ای زاده پیامبر خدا! ابیاتی درباره تو سـروده ام که می خواهم آنها را از من بشـنوی. حضـرت علیه السـلام فرمود: آن چه سـروده ای، بیاور او پس چنین سرود:

ایشان پاکانی هستند که جامه شان پاکیزه است * و هر گاه از ایشان یاد شود بر آنها درود فرستاده می شود

هر که به هنگام انتساب علوی نباشد * از روزگار کهن افتخاری ندارد

خداوند آن گاه که خلایق را بیافرید و سامانشان داد * ای جماعت شما را گزین کرد و برگزید

شمایید گروه برتر و نزد شماست * علم کتاب و آن چه سوره های قرآن آورده است

امام رضا علیه السلام فرمود: ابیاتی را آوردی که هیچ کس در سرودن آنها از تو پیشی نگرفته است.

عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۲ / ۱۴۳ / ۱۰ ، المناقب لابن شهرآشوب : ۴ / ۳۶۶ مرسلاً .

حدیث۵۵

امام حسن علیه السلام :

ـ فی مَجلِسِ مُعاوِیَةَ ـ : وأنَـا ابنُ خِیرَةِ الإِمـاءِ وسَیِّدَةِ النِّسـاءِ ، غَـذّانا رَسولُ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله بِعِلمِ اللّه ِ تَبـارَکَ وتَعالی ، فَعَلَّمَنا تَأویلَ القُرآنِ ، ومُشکِلاتِ الأَحکامِ ، لَنَا العِزَّةُ الغَلباءُ والکَلِمَةُ العَلیاءُ ، والفَخرُ والسَّناءُ

امام حسن علیه السلام ـ در مجلس معاویه ـ: من پسر بهترین کنیزان (خدا) و سرور زنانم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را با علم خداوند تبارک و تعالی تغذیه کرده است و تأویل قرآن و احکام دشوار را به ما آموخته است. سترگ ترین ارجمندی و والاترین کلمه و افتخار و بلندی از آنِ ماست.

الاحتجاج : ۲ / ۴۷ .

حدیث۵۶

امام حسن علیه السلام :

إنَّ العِلمَ فينا ، ونَحنُ أهلُهُ ، وهُوَ عِنـدَنا مَجموعٌ كُلُّهُ بِحَـذافيرِهِ ، وإنَّهُ لا يَحدُثُ شَـىءٌ إلى يَومِ القِيامَةِ حَتّى أرشُ الخَدشِ إلاّ وهُوَ عِندَنا مَكتوبٌ بِإِملاءِ رَسولِ اللّه ِ صلى الله عليه و آله وخَطِّ عَلِيٍّ عليه السلام بِيَدِهِ

امـام حسن علیه السـلام : علم در میـان مـاست و ما اهل آنیم و همه آن به کمال نزد ماست و تا روز رسـتاخیز حتّی دیه خراشـی تعلّق نخواهد گرفت مگر آن که با املا پیامبر صلی الله علیه و آله و دست خط علی علیه السلام نزد ما نوشته موجود است.

الاحتجاج : ۲ / ۶۳ / ۱۵۵ عن ابن عبّاس .

حدیث۵۷

امام حسن علیه السلام :

ـ أنَّهُ سُـئِلَ عَن رَأيِ أبيهِ فِي الخِيارِ ؛ مِن مَباحِثِ البُيوعِ والمُعامَلاتِ ـ: فَدَعا بِرَبعَةٍ ، فَأَخرَجَ مِنها صَـحيفَةً صَـفراءَ مَكتوبٌ فيها قَولُ عَلِيٍّ فِي الخِيارِ

از امـام حسن علیه السـلام دربـاره نظر پـدرش پیرامون مسـأله «خیـار» ـ [یعنی حقّ به هم زدن معامله] که از مباحث خریـد و فروش و معاملات است ـ پرسـش شد. حضرت علیه السلامصندوقی را خواست و از میان آن صحیفه زرد رنگی بیرون آورد که نظر علی علیه السلام در باره «خیار» در آن نوشته شده بود.

العلل لابن حنبل : ۱ / ۳۴۶ / ۶۳۹ .

حدیث۵۸

امام حسن علیه السلام :

قالَ رَسولُ اللّه ِ صـلى الله عليه و آله لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السـلام : اُكتُب ما اُملى عَلَيكَ ، فَقالَ : يا نَبِيَّ اللّه ِ ، أتَخافُ عَلَيَّ النِّسيانَ ؟ قالَ صلى الله عليه و آله : لَستُ أخـافُ عَلَيكَ النِّسـيانَ ، وقَد دَعَوتُ اللّه َ لَكَ أن يُحَفِّظَكَ ولا يُنسِـيَكَ ، ولكِنِ اكتُب لِشُـرَكائِكَ . قالَ : قُلتُ : ومَن شُـرَكائى يا نَبِيَّ اللّه ِ ؟ قالَ : الأَئِمَّةُ مِن وُلدِكَ ، بِهِم تُسـقى اُمَّتِي الغَيثَ ، وبِهِم يُستَجابُ دُعاؤُهُم ، وبِهِم يَصرِفُ اللّه ُ عَنهُمُ البَلاءَ ، وبِهِم يُنزِلُ الرَّحمَـةَ مِنَ السَّماءِ ، وهـذا أوَّلُهُم ، وأومَأَ بِيَـدِهِ إلَى الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عليهماالسـلام ، ثُمَّ أومَأَ بِيَـدِهِ إلَى الحُسَـينِ عليه السلام ، ثُمَّ قالَ : الأَئِمَّةُ مِن وُلدِهِ

امام حسن علیه السـلام : پیامبر صـلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: آن چه را بر تو املا می کنم، بنویس. علی عرض کرد: یـا رسول اللّه ! بیم داری چیزی را فراموش کنم؟ پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: از فراموشـی تو نمی ترسم، من به درگاه خـداوند دعـا کرده ام که حـافظه تـو را قوی گردانـد و از فراموشـی بر کنـارت دارد، لیکن برای شـریک هـای خود بنویس. علی علیه السـلام عرض کرد: شـریکان من چه کسانی هستند یا رسول اللّه ؟ فرمود: آن فرزندان تو که امامند، به برکت وجود آنهاست که بر امّت من

باران می بارد و در پرتو وجود آنها دعایشان مستجاب می گردد و خداوند به سبب آنها بلا از امّت می گرداند و به برکت وجود آنها از آسمان رحمت می بارد و این نخستین ایشان است و با دست به حسن بن علی علیه السلاماشاره کرد، سپس به حسین اشاره کرد و فرمود: فرزندان او که امامند.

أمالی الصدوق : ۳۲۷ / ۱ ، کمال الدین : ۲۰۶ / ۲۱ ، بصائر الدرجات : ۱۶۷ / ۲۲ کلّها عن أبی الطفیل .

حدیث۵۹

امام حسن علیه السلام :

دَخَلتُ عَلی سَیِّدی عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیِّ ابنِ موسَی بنِ جعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ بنِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ علیهم السلام ، فَلَمّا بَصُرَنی (بَصُرَ بی) قالَ لی : مَرحَبًا بِکَ یا أبَا القاسِمِ ، أنتَ

وَلِیُّنا حَقًّا . فَقُلتُ لَهُ : یَا بنَ رَسولِ اللّه ، إنّی اُریدُ أن أعرِضَ عَلَیکَ دینی ، فَإن کانَ مَرضِیًّا ثَبَتُّ عَلَیهِ حَتّی ألقَی اللّهَ عَزَّوجَلَّ ، فَقالَ : هاتِ یا أبَا القاسِمِ ، فَقُلتُ : إنّی أقولُ : إنَّ اللّهَ تَعالی واحِدٌ لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ ، خارِجٌ مِنَ الحَدَّینِ : حَدِّ الإبطالِ وحَدِّ التَّشبیهِ، وإنَّهُ لَیسَ بِجِسمٍ ولاـ صورَةٍ ولاـ عَرَضٍ ولاـ جَوهَرٍ ، بَل هُوَ مُجَسِّمُ الأَجسامِ ومُصَوِّرُ الصُّوَرِ ، وخالِقُ الأَعراضِ والجَواهِرِ ، ورَبُّ کُلِّ شَیءٍ ومالِکُهُ وجاعِلُهُ ومُحدِثُهُ .

وأنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ ورَسولُهُ خاتَمُ النَّبِیّینَ ، فَلا نَبِیَّ بَعدَهُ إلی یَومِ القِیامَةِ ، وأنَّ شَریعَتَهُ خاتِمَةُ الشَّرائِعِ فَلا شَریعَةَ بَعدَها إلی یَومِ القِیامَةِ .

وأقولُ : إنَّ الإِمامَ والخَلیفَةَ ووَلِیَّ الأَمرِ بَعدَهُ أمیرُ المُؤمِنینَ عَلِیُّ بنُ أبی طالِبٍ ، ثُمَّ الحَسَنُ ثُمَّ الحُسَینُ ثُمَّ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ ثُمَّ جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ موسَی بنُ جَعفَرٍ ثُمَّ عَلِیُّ بنُ موسی ثُمَّ مُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ ثُمَّ أنتَ یا مَولایَ . فَقالَ عَلِیٌّ علیه السلام : ومِن بَعدِیَ الحَسَنُ ابنی ، فَکَیفَ لِلنّاسِ بِالخَلَفِ مِن بَعدِهِ ؟ فَقُلتُ : وکَیفَ ذاکَ یا مَولایَ ؟ قالَ : لِأَنَّهُ لا یُری شَخصُهُ ولا یَحِلُّ ذِکرُهُ بِاسمِهِ حَتّی یَخرُجَ فَیَملَأَ الأَرضَ قِسطًا وعَدلاً کَما مُلِئَت ظُلمًا وجَورًا . فَقُلتُ : أقرَرتُ .

وأقولُ : إنَّ وَلِیَّهُم وَلِیُّ اللّه ، وعَدُوَّهُم عَدُوُّ اللّه ، وطاعَتَهُم طاعَةُ اللّه ، ومَعصِیَتَهُم مَعصِیَةُ اللّه .

وأقولُ : إنَّ المِعراجَ حَقٌّ ، والمُساءَلَةَ فِی القَبرِ حَقٌّ ، وإنَّ الجَنَّةَ حَقٌّ ، والنّارَ حَقٌّ ، والصِّراطَ حَقٌّ ، والمیزانَ حَقٌّ ، وإنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیبَ فیها ، وإنَّ اللّهَ یَبعَثُ مَن فِی القُبورِ .

وأقولُ : إنَّ الفَرائِضَ الواجِبَةَ بَعدَ الوَلایَةِ : الصَّلاةُ والزَّکاةُ والصَّومُ والحَجُّ والجِهادُ والأَمرُ بِالمَعروفِ والنَّهیُ عَنِ المُنکَرِ .

فَقالَ عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام : یا أبَا القاسِمِ ، هذا واللّهِ دینُ اللّهِ الَّذی ارتَضاهُ لِعِبادِهِ ، فَاثبُت عَلَیهِ أثبَتَکَ اللّهُ بِالقَولِ الثّابِتِ فِی الحَیاةِ الدُّنیا وفِی الآخِرَةِ .

عبدالعظیم بن عبداللّه حسنی: بر سرورم علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلاموارد شدم.

چون مرا دید فرمود: ای ابا القاسم! خوش آمدی، تو به راستی دوستدار مایی. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! می خواهم دینم را بر شما عرضه کنم تا اگر پسندیده است تا هنگام دیدار خداوند عز و جل، بر آن پایداری ورزم. امام علیه السلامفرمود: عرضه کن ای ابو القاسم. عرض کردم: من اعتقاد دارم: خداوند متعال یکی است و چیزی مانند او وجود ندارد و از دو حدّ ابطال و تشبیه بیرون است، نه جسمی دارد و نه صورتی و نه عَرَضی و نه جوهری. بلکه اوست که به اجسام، جسمیّت و به صورتها، تصویر می بخشد و اَعراض و جواهر را می آفریند و پروردگار و مالک و آفریننده و پدید آورنده هر پدیده ای است و این که محمّد بنده و رسول او، خاتم پیامبران است و تا روز رستخیز پیامبری پس از او نخواهد بود و آیین او آیین پایانی است که تا روز قیامت، آیینی پس از آن

نخواهد بود.

من معتقدم امام و جانشین و ولیّ امر پس از او، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و سپس حسن و آن گاه حسین و علی بن حسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و سپس تویی ای سرورم. امام هادی علیه السلام فرمود: پس از من، فرزندم حسن، جانشین من خواهد بود، ولی جانشین او در میان مردم چگونه خواهد بود؟ عرض کردم: چگونه خواهد بود سرورم؟ فرمود: شخص او دیده نمی شود و روا نیست نامش برده شود تا خروج کند و زمین را همان گونه که از ظلم و ستم آکنده بود از داد و عدل بیاکند. عرض کردم: بدان اقرار می کنم.

من معتقدم: دوستدار آنها، دوستدار خدا و دشمن آنها، دشمن خداست، فرمانبری از آنها، فرمانبری از خدا و سرکشی از آنها، سرکشی از خداست. به اعتقاد من، معراج و سؤال و جواب قبر و بهشت و دوزخ و رستاخیز، حقّ است
و تردیدی در آن نیست و خداوند هر آن که را در گور خفته بر خواهد انگیخت.

به اعتقاد من، فرائض واجب پس از ولایت، نماز و زکات و روزه و حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر هستند.

علی بن محمّد علیه السلام فرمود: ای ابا القاسم! به خدا سوگند این همان دینی است که خداوند برای بندگانش برگزیده است. بر آن پایدار باش، خداوند تو را بر این عقیده استوار در دنیا و آخرت پایدار بدارد.
أمالی الصدوق : ۲۷۸ / ۲۴ ، التوحید : ۸۱ / ۳۷ ، کمال الدین : ۳۷۹ ، روضة الواعظین : ۳۹ ، کفایة الأثر : ۲۸۲ ، وراجع صفات الشیعة : ۱۲۷ / ۶۸ .

حدیث۶۰

امام حسن علیه السلام :
عَلی فُقَراءَ وقَد وَضَعوا کُسَیراتٍ عَلَی الأَرضِ وهُم قُعودٌ یَلتَقِطونَها ویَأکُلونَها ، فَقالوا لَهُ : هَلُمَّ یَا بنَ بِنتِ رَسولِ اللّه إلَی الغَداءِ . قالَ : فَنَزَلَ وقالَ : إنَّ اللّه َ لا یُحِبُّ المُستَکبِرینَ ، وجَعَلَ یَأکُلُ مَعَهُم حَتّی اکتَفَوا وَالزّادُ عَلی حالِهِ بِبَرَکَتِهِ ، ثُمَّ دَعاهُم إلی ضِیافَتِهِ وأطعَمَهُم وکَساهُم
روایت شده که حسن بن علی بر گروهی از فقرا گذشت که تکّه نانهایی بر زمین نهاده و گرد یکدیگر نشسته بودند و از آن بر می داشتند و می خوردند. این جماعت به امام علیه السلام گفتند: ای پسر دختر رسول خدا! بفرمایید. راوی می گوید: حضرت علیه السلام فرود آمد و فرمود: خداوند مستکبران را دوست ندارد و همراه آنان به خوردن نشست تا از خوردن دست کشیدند و این در حالی بود که به برکت وجود امام علیه السلام، چیزی از نانها کم نشده بود. امام علیه السلام سپس آنها را به مهمانی دعوت کرد و اطعامشان نمود و جامه شان بخشید.
المناقب لابن شهرآشوب : ۴ / ۲۳ .

حدیث۶۱

امام حسن علیه السلام :

اُخِذَ ابنُ مُلجَمٍ فَاُدخِلَ عَلی عَلِیٍّ علیه السلام ، فَقالَ : أطیبوا طَعامَهُ وألینوا فِراشَهُ ، فَإِن أعِش فَأَنَا وَلِیُّ دَمی ، عَفوٌ أو قِصاصٌ ، وإن مُتُّ فَأَلحِقوهُ بی اُخاصِمهُ عِندَ رَبِّ العالَمینَ

امام حسن علیه السلام: ابن ملجم دستگیر و به حضور علی علیه السلام برده شد. امام علیه السلامفرمود: خوراکش را نیکو و بسترش را نرم گردانید، اگر زنده ماندم که صاحب خون، خودم هستم، بخواهم در می گذرم یا قصاص می کنم و اگر مُردم، او را به من مُلحق کنید که نزد خداوند جهانیان از او دادخواهی می کنم.

اُسد الغابة : ۴ / ۱۱۳ ، تاریخ دمشق «ترجمة الإمام علیّ علیه السلام» : ۳ / ۳۰۰ / ۱۴۰۰ کلاهما عن محمّد بن سعد ، أنساب الأشراف : ۲ / ۴۹۵ / ۵۲۹ ، الإمامة والسیاسة : ۱ / ۱۸۱ وفی ذیلهما «ولا تعتدوا، إنّ اللّه لا یحبّ المعتدین» .

حدیث۶۲

امام حسن علیه السلام :

یـا مَولایَ «والکـاظِمینَ الغَیظَ» . قـالَ : خَلّوا عَنهُ . قالَ : یا مَولایَ «والعافینَ عَنِ النّاسِ» . قالَ : قَد عَفَوتُ عَنکَ . قالَ : یا مَولایَ «واللّهُ یُحِبُّ المُحسِنینَ

روایت شده است که غلام حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام جرمی مرتکب شد که سزاوار کیفر بود، حضرت علیه السلام دستور داد او را بزنند. او گفت: سرورم! «آنان که خشم خویش فرو می خورند» ، حضرت علیه السلامفرمود: از او دست بدارید. او گفت: سرورم! «و از خطای مردم در می گذرند» ، حضرت علیه السلامفرمود: از تو در گذشتم. او گفت: سرورم! «و خدا نیکوکاران را دوست می دارد» ، حضرت علیه السلامفرمود: تو در راه خدا آزادی و از آنِ تو باد دو برابر آن چه به تو می دادم.

آل عمران : ۱۳۴ .

حدیث۶۳

امام حسن علیه السلام :

رَأَیتُ اُمّی فاطِمَةَ علیهاالسلامقائِمَةً فی مِحرابِها لَیلَةَ الجُمُعَةِ ، فَلَم تَزَل راکِعَةً ساجِدَةً حَتّی انفَجَرَ عَمودُ الصُّبحِ، وسَمِعتُها تَدعو لِلمُؤمِنینَ والمُؤمِناتِ وتُسَمّیهِم وتُکثِرُ الدُّعاءَ لَهُم ولا تَدعو لِنَفسِها بِشَیءٍ ، فَقُلتُ : یا اُمّاه ، لِمَ لا تَدعینَ لِنَفسِکِ کَما تَدعینَ لِغَیرِکِ ؟ فَقالَت : یا بُنَیَّ ، الجارَ ثُمَّ الدّارَ

امام حسن علیه السلام: مادرم فاطمه علیهاالسلام را در شب جمعه در محراب دیدم که به عبادت ایستاده بود. او همچنان در رکوع بود، تا روشنی بامداد برآمد. شنیدم که او به مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و آنها را نام می بُرد و برای آنها فراوان دعا می کرد در حالی که برای خود دعایی نمی کرد. گفتم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم! نخست همسایه و سپس [اهل] خانه.

دلائل الإمامة : ۱۵۲ / ۶۵ ، علل الشرائع : ۱۸۱ / ۱ ، کشف الغمّة : ۲ / ۹۴ ، ضیافة الإخوان : ۲۶۵ کلّها عن فاطمة الصغری عن الإمام الحسین علیه السلام .

حدیث۶۴

امام حسن علیه السلام :

ما کانَ فی هذِهِ الاُمَّةِ أعبَدُ مِن فاطِمَةَ ، کانَت تَقومُ حَتّی تَوَرَّمَت قَدَماها

حسن بصری: در میان این امّت، عابدتر از فاطمه نبوده است، او آن قدر [برای عبادت] می ایستاد که دو پایش ورم می کرد.

المناقب لابن شهرآشوب : ۳ / ۳۴۱ ، ربیع الأبرار : ۲ / ۱۰۴ .

حدیث۶۵

امام حسن علیه السلام :

أعتَقَ عَلِیٌّ علیه السلام ألفَ أهلِ بَیتٍ بِما مَجَلَت یَداهُ وعَرِقَ جَبینُهُ

عبـداللّه بن الحسن [بن الحسن] بن علی بن ابی طالب می گویـد: علی علیه السـلامهزار خانوار را با درآمـدی که با پینه دست و عرق جبین، به دست آورده بود، آزاد کرد.

الغارات : ۱ / ۹۱ ، شـرح نهج البلاغهٔ لابن أبی الحدید : ۲ / ۲۰۲ عن عبداللّه بن الحسـین بن الحسن وفیه «أعتق علیّ علیه السـلام فی حیاهٔ رسول اللّه صلی الله علیه و آله ...» .

حدیث۶۶

امام حسن علیه السلام :

کانَ الحُسَـینُ بنُ عَلِیٍّ سَیِّدًا زاهِدًا وَرِعًا صالِحًا ناصِحًا حَسَنَ الخُلُقِ ، فَذَهَبَ ذاتَ یَوم مَعَ أصحابِهِ إلی بُستانِهِ ، وکانَ فی ذلِکَ البُستانِ غُلامٌ لَهُ اسمُهُ صافی ، فَلَمّا قَرُبَ مِنَ البُستانِ رَأَی الغُلامَ قاعِدًا یَأکُلُ خُبزًا ، فَنَظَرَ الحُسَینُ إلَیهِ وجَلَسَ عِندَ نَخلَهٍٔ مُستَتِرًا لا یَراهُ ، فَکانَ یَرفَعُ الرَّغیفَ فَیَرمی بِنِصـفِهِ إلَی الکَلبِ ویَأکُلُ نِصـفَهُ الآخَرَ . فَتَعَجَّبَ الحُسَـینُ مِن فِعلِ الغُلامِ، فَلَمّا فَرَغَ مِن أکلِهِ قالَ : الحَمـدُ للّه ِ رَبِّ العالَمینَ ، اللّهُمَّ اغفِر لی ، وَاغفِر لِسَیِّدی، وبارِک لَهُ کَما بارَکتَ عَلی أبَوَیهِ، بِرَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

فَقامَ الحُسَـینُ وقالَ : یا صافی ، فَقامَ الغُلامُ فَزِعًا وقالَ : یا سَیِّدی وسَیِّدَ المُؤمِنینَ ، إنّی ما رَأَیتُکَ ، فَاعفُ عَنّی . فَقالَ الحُسَینُ : اِجعَلنی فی حِلٍّ یا صافی ، لِأَنّی دَخَلتُ بُستانَکَ بِغَیرِ إذنِکَ . فَقالَ صافی : بِفَضـلِکَ یا سَیِّدی وکَرَمِکَ وسُؤدُدِکَ تَقولُ هذا . فَقالَ الحُسَینُ : رَأَیتُکَ تَرمی بِنِصفِ الرَّغیفِ لِلکَلبِ وتَأکُلُ النِّصفَ الآخَرَ ، فَما مَعنی ذلِکَ ؟ فَقالَ الغُلامُ : إنَّ هـذَا الکَلبَ یَنظُرُ إلَیَّ حینَ آکُلُ ، فَأَستَحی مِنهُ یا سَیِّدی لِنَظَرِهِ إلَیَّ ، وهذا کَلبُکَ یَحرُسُ بُستانَکَ مِنَ الأَعداءِ ، فَأَنَا عَبدُکَ ، وهذا کَلبُکَ ، فَأَکَلنا رِزقَکَ مَعًا .

فَبَکَی الحُسَـینُ وقالَ : أنتَ عَتیقٌ للّه ِ ، وقَد وَهَبتُ لَکَ ألفَی دینارٍ بِطیبَهٍٔ مِن قَلبی . فَقالَ الغُلامُ : إن أعتَقتَنی فَأَنَا اُریدُ القِیامَ بِبُستانِکَ . فَقالَ الحُسَـینُ : إنَّ الرَّجُلَ إذا تَکَلَّمَ بِکَلامٍ فَیَنبَغی أن یُصَدِّقَهُ بِالفِعلِ ، فَأَنَا قَد قُلتُ : دَخَلتُ بُستانَکَ بِغَیرِ إذنِکَ ، فَصَدَّقتُ قَولی ، ووَهَبتُ البُستانَ وما فیهِ لَکَ ، غَیرَ أنَّ أصحابی هؤُلاءِ جاؤوا لِأَکلِ الثِّمارِ والرُّطَبِ فَاجعَلهُم أضیافًا لَکَ وأکرِمهُم مِن أجلی ، أکرَمَکَ اللّه ُ یَومَ القِیامَهِٔ وبارَکَ لَکَ فی حُسنِ خُلقِکَ وأدَبِکَ . فَقالَ الغُلامُ : إن وَهَبتَ لی بُستانَکَ فَأَنَا قَد سَبَّلتُهُ لِأَصحابِکَ وشیعَتِکَ . قالَ الحَسَنُ [البَصرِیُّ] : فَیَنبَغی لِلمُؤمِنِ أن یَکونَ کَنافِلَهِٔ رَسولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله

حسن بصـری: حسـین بن علی، سـروری زاهد، پاکدامن، نیکوکار، خیرخواه و خوش اخلاق بود. امام علیه السـلام، روزی با اطرافیان خود به باغش رفت. در این باغ غلامی کار می کرد که نامش صافی بود. چون حضـرت علیه السـلامبه باغ نزدیک شد، غلام را دید که نشسته نان می خورد. حسین علیه السـلامبدو نگریست و زیر درخت خرمایی که او را می پوشانـد و غلام نمی توانست حضـرت علیه السلامرا ببیند نشست.

غلام، یک گرده نان را بر می داشت و نصف آن را به طرف سگش می انداخت و نیم دیگر را خود می خورْد. حسین علیه السلاماز این کار غلام در شـگفت شد. غلام چون از خوردن آسوده گشت گفت: سپاس خداوند جهانیان را، خدایا من و سرورم را بیامرز و به او برکت بده، چنان که به پدر و مادر او برکت دادی، به رحمت خودت ای ارحم الراحمین.

در این هنگام حسین علیه السلام برخاست و گفت: ای صافی! غلام وحشت زده برخاست و گفت: سرورم و سرور همه مؤمنان! من شما را ندیدم، مرا ببخش. حسین علیه السلامگفت: مرا حلال کن ای صافی، زیرا من بدون اجازه تو به باغت وارد شدم. صافی گفت. به سبب فضیلت و کرم و سروری خودت چنین سخنی را می گویی سرورم. حسین علیه السلام فرمود: دیدم که نیمی از گرده نان را به سگت می دهی و نیم دیگر آن را، خود می خوری، این کار چه معنا دارد؟ غلام گفت: هنگامی که من نان می خوردم، این سگ به من می نگریست، سرورم! من از نگاه او شرم کردم، آخر این هم سگ توست که باغت را در برابر دشمنان حفظ می کند. من برده توام و این سگ توست و هر دو با هم، رزق از تو رسیده را خوردیم.

حسین علیه السلام گریست و فرمود: تو در راه خدا آزادی و با طیب خاطر به تو دو هزار دینار می بخشم. غلام گفت: اگر مرا آزاد می کنی من باز هم می خواهم عهده دار باغ تو باشم. حسین علیه السلام فرمود: مرد هرگاه سخنی بر زبان می آورد، شایسته است که آن را با عمل خود تأیید کند، من گفتم: بدون اجازه تو به باغت وارد شدم و سخن خود را تأیید کردم و باغ را با هر آن چه در آن است به تو بخشیدم، ولی این گروه از اطرافیان من آمده اند تا میوه و خرما بخورند، آنها را به خاطر من، میهمان خود بدار و ارجشان نه که خداوند در روز رستاخیز بر تو ارج نهد و به سبب خوش اخلاقی و ادبت به تو برکت دهد. غلام گفت: اگر تو باغت را به من بخشیدی، من هم آن را وقف اطرافیان و شیعیان تو می کنم.حسن [بصری]می گوید: بر مؤمن شایسته است که همچون نوه پیامبر خدا باشد.

مقتل الحسین علیه السلامللخوارزمیّ : ۱ / ۱۵۳ .

حدیث۶۷

امام حسن علیه السلام :

شَکَوتُ إلی أبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیهماالسلامالحاجَةَ وجَفاءَ الإِخوانِ ، فَقالَ : بِئسَ الأَخُ أَخٌ یَرعاکَ غَنِیًّا ویَقطَعُکَ فَقیرًا . ثُمَّ أمَرَ غُلامَهُ فَأَخرَجَ کیسًا فیهِ سَبعُمِائَةِ دِرهَمٍ، وقالَ: اِستَنفِق هذِهِ فَإِذا نَفِدَت فَأَعلِمنی.

حسن بن کثیر: نزد ابو جعفر محمّد بن علی علیه السلام از فقر و بریدن برادران شکوه کردم. امام علیه السلامفرمود: بدترین برادر، برادری است که تو را به وقت توانگری در نظر داشته باشد و هنگام فقر، از تو بُبرد، سپس به غلامش دستور داد همیانی بیاورد که در آن هفتصد درهم بود. امام علیه السلامفرمود: این را خرج کن و هرگاه تمام شد مرا آگاه کن.

الإرشاد : ۲ / ۱۶۶ ، روضة الواعظین : ۲۲۵ ، المناقب لابن شهرآشوب : ۴ / ۲۰۷ .

حدیث۶۸

امام حسن علیه السلام :

سَأَلتُ خالی هِندَ بنَ أبی هالَةَ التَّمیمِیَّ ـ وکانَ وَصّافًا ـ عَن حِلیَةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله : صِف لی مَنطِقَهُ . قالَ : کانَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله مُتَواصِلَ الأَحزانِ ، دائِمَ الفِکرَةِ ، لَیسَت لَهُ راحَةٌ ، لا یَتَکَلَّمُ فی غَیرِ حاجَةٍ ، طَویلَ السَّکتَةِ ، یَفتَتِحُ الکَلامَ ویَختِمُهُ بِأَشداقِهِ

امام حسن علیه السلام: از دایی خود، هند بن ابی هاله تمیمی ـ که توصیف گر بود ـ درباره آراستگیهای پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش کردم و گفتم: سخن گفتن او را برای من توصیف کن. او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ، پیوسته غمگین بود وهماره در

اندیشه، آسودگی نداشت و بدون نیاز، سخن نمی گفت، سکوتش طولانی بود، از آغاز تا پایان سخن، دهانش را کاملاً باز نمی کرد و سخنانی فراگیر می فرمود، کلامش، فصل بود که در آن نه فزونی دیده می شد و نه کاستی، نرمخو بود و از خشکی و جسارت برکنار، نعمت را هر چند ناچیز، بزرگ می داشت و چیزی از آن را نمی نکوهید، تغییر ذائقه دهندگان را نه می نکوهید و نه می ستود، دنیا و آن چه در آن است، او را به چشم نمی آورد. چون چیزی مانع حق می گشت، هیچ چیز یارای خشم او را نداشت تا آن که حق را یاری کند، او برای خود خشمگین نمی شد و برای خود چیرگی نمی خواست، هرگاه اشاره می کرد، با تمام کَفَش اشاره می کرد و هرگاه شگفت زده می شد، دست خود را می گرداند و هرگاه سخن می گفت، دست خود را به یکدیگر می پیوست و شست دست چپش را به گودی کف دست راستش می زد و هرگاه خشمگین می شد، رویش

را بر می گرداند و چهره اش را بر می تافت و هرگاه شاد می شد دیگان خود را می هلید، بیشتر خنده او لبخند بود و هرگاه لبخند می زد دندانهایش چونان دانه های تگرگ خودنمایی می کرد.

الأشداق : جوانب الفم (لسان العرب : ۲ / ۱۴۹) ، والمراد أنّه لا يفتح فاه كلّه .

حدیث۶۹

امام حسن علیه السلام :

إنّا أهلُ بَيتٍ إذا عَلِمنَا الحَقَّ تَمَسَّكنا بِهِ

امام حسن علیه السلام: ما خاندانی هستیم که هرگاه حقّ را شناختیم، بدان چنگ در می زنیم.

مقاتل الطالبيّين : ۷۶ عن سفيان بن الليل .

حدیث۷۰

امام حسن علیه السلام :

أرسَلَ رَسولُ اللّه صلى الله عليه و آله إلَى الأَنصارِ فَأَتَوهُ ، فَقالَ لَهُم : يا مَعشَرَ الأَنصارِ ، ألا أدُلُّكُم عَلى ما إن تَمَسَّكتُم بِهِ لَن تَضِلّوا بَعدَهُ ؟ قالوا : بَلى يا رَسولَ اللّه . قالَ : هذا عَلِيٌّ ، فَأَحِبّوهُ بِحُبّى وكَرِّموهُ لِكَرامَتى ، فَإِنَّ جَبرَئيلَ عليه السلامأمَرَنى بِالَّذى قُلتُ لَكُم عَنِ اللّه عَزَّوجَلَّ

امام حسن علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی انصار فرستاد و آنان نزدش آمدند. پیامبر به ایشان فرمود: ای جماعت انصار! آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر به دامنش چنگ زنید پس از وی هرگز گمراه نشوید؟ عرض کردند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: این علی. به دوستی من او را دوست بدارید و به احترام من به او احترام نهید؛ زیرا جبرئیل از جانب خدای عز و جلبه من دستور داد که این مطلب را به شما بگویم.

المعجم الكبير : ۳ / ۸۸ / ۲۷۴۹ ، حلية الأولياء : ۱ / ۶۳ كلاهما عن ابن أبي ليلى ، وراجع أمالي الطوسيّ : ۲۲۳ / ۳۸۶ ، بشارة المصطفى : ۱۰۹ كلاهما عن سلمان الفارسي .

حدیث۷۱

امام حسن علیه السلام :

خَرَجتُ إلَى المَدينَةِ وأنَا وَجِعٌ ثَقيلٌ ، فَقيلَ لَهُ [أى لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام] : مُحَمَّدُ بنُ مُسلِمٍ وَجِعٌ ، فَأَرسَلَ إلَيَّ أبو جَعفَرٍ بِشَرابٍ مَعَ الغُلامِ مُغَطًّى بِمِنديلٍ ، فَناوَلَنيهِ الغُلامُ وقالَ لى : اِشرَبهُ فَإِنَّهُ قَد أمَرَنى أن لا أرجِعَ حَتّى تَشرَبَهُ ، فَتَناوَلتُهُ فَإِذا رائِحَةُ المِسكِ مِنهُ ، وإذا

شَرابٌ طَیِّبُ الطَعم بارِدٌ ، فَلَمّا شَرِبتُهُ قالَ لِیَ الغُلامُ : یَقولُ لَکَ إذا شَرِبتَ فَتَعالَ .
فَفَکَّرتُ فیما قالَ لی ولا أقدِرُ عَلَی النُّهوضِ قَبلَ ذلِکَ عَلی رِجلی ، فَلَمّا استَقَرَّ الشَّرابُ فی جَوفی کَأَنَّما نَشَطتُ مِن عِقالٍ ، فَأَتَیتُ بابَهُ فاستَأذَنتُ عَلَیهِ ، فَصَوَّتَ بی : صَحَّ الجِسمُ ، ادخُل ادخُل . فَدَخَلتُ وأنا باکٍ ، فَسَلَّمتُ عَلَیهِ وقَبَّلتُ یَدَهُ ورَأسَهُ ، فَقالَ لی : وما یُبکیکَ یا مُحَمَّدُ ؟ فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ، أبکی عَلَی اغترابی وبُعدِ الشُّقَّةِ وقِلَّةِ المَقدِرَةِ عَلَی المُقامِ عِندَکَ والنَّظَرِ إلیکَ . فَقالَ لی : أمّا قِلَّةُ المَقدِرَةِ فَکَذلِکَ جَعَلَ اللّه ُ أولِیاءَنا وأهلَ مَوَدَّتِنا وجَعَلَ البَلاءَ إلَیهِم سَریعًا ، وأمّا ما ذَکَرتَ مِنَ الغُربَةِ فَلَکَ بِأَبی عَبدِاللّه ِ اُسوَةٌ بِأَرضٍ ناءٍ عَنّا بِالفُراتِ .
وأمّا ما ذَکَرتَ مِن بُعدِ الشُّقَّةِ ، فَإِنَّ المُؤمِنَ فی هذِهِ الدّارِ غَریبٌ وفی هذَا الخَلقِ المَنکوسِ حَتّی یَخرُجَ مِن هذِهِ الدّارِ إلی رَحمَةِ اللّه ِ ، وأمّا ما ذَکَرتَ مِن حُبِّکَ قُربَنا وَالنَّظَرَ إلَینا وأنَّکَ لا تَقدِرُ عَلی ذلِکَ فَاللّه ُ یَعلَمُ ما فی قَلبِکَ وجَزاؤُکَ عَلَیهِ

محمّد بن مسلم: با جسمی دردمند و سنگین به مدینه رفتم. به ایشان (حضرت باقر علیه السلام) گفته شد: محمّد بن مسلم، دردمند و علیل است. حضرت به وسیله خدمتکار خود ظرف شربتی که روی آن با دستمالی پوشیده شده بود برایم فرستاد. خدمتکار ظرف را به دست من داد و گفت: بنوش؛ زیرا حضرت به من دستور داده است که تا آن را ننوشی برنگردم. من ظرف را گرفتم، دیدم بوی مشک از آن بلند است و شربت خوشمزه و خنکی است، چون آن را نوشیدم خدمتکار به من گفت: حضرت به تو می فرماید که وقتی نوشیدی بیا.

من درباره آن چه به من گفت اندیشیدم حال آن که پیش از آن قادر نبودم بر پای خود بایستم. اما همین که آن شربت در معده ام جا گرفت، گویی بند از پایم گشوده شد. به در خانه حضرت رفتم و اجازه ورود خواستم. حضرت با صدای بلند به من فرمود: تندرست باشی، داخل شو، داخل شو. من گریه کنان داخل شدم و به حضرت سلام گفتم و دست و سرش را بوسیدم. فرمود: ای محمّد، چرا گریه می کنی؟ عرض کردم: فدایت شوم، برای غربتم و دوری سفر [آخرت]و تنگدستی و از این که نمی توانم پیش شما بمانم و ببینمتان می گریم. حضرت فرمود: اما تنگدستی، خداوند دوستان و محبّان ما را این گونه قرار داده و بلا و سختی را به سوی آنان شتابانده است. و اما آن چه از غربت گفتی، اباعبداللّه را که در سرزمینی دور از ما، در کنار فرات است، سرمشق خود قرار ده. و امّا آن چه از دوری سفر گفتی، بدان که مؤمن در این دنیا و در میان این مردم باژگونه و غریب است تا آن که از این سرای به رحمت خدا رود. و اما این که گفتی دوست داری نزدیک ما باشی و ما را ببینی ولی نمی توانی این کار را بکنی، بدان که خداوند از آن چه در قلبت می گذرد آگاه است و تو را پاداش خواهد داد.

رجال الکشّی : ۱ / ۳۹۱ / ۲۸۱ ، کامل الزیارات : ۲۷۵ ، الاختصاص : ۵۲ ، المناقب لابن شهرآشوب : ۴ / ۱۸۱ نحوه ، وفیهما «منکوس» بدل «المنکوس» .

حدیث۷۲

امام حسن علیه السلام :
کُنّا مَعَ الحُسَینُ علیه السلام بِنَهرِ کَربَلاءَ ، فَنَظَرَ إلی شِمرِ بنِ ذی الجَوشَنِ فَقالَ : صَدَقَ اللّه ُ ورَسولُهُ ، قالَ رَسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : کَأَنّی أنظُرُ إلی کَلبٍ أبقَعَ یَلَغُ فی دِماءِ أهلِ بَیتی ، وکانَ شِمرٌ أبرَصَ

محمّدبن عمروبن حسن: ما در کنار نهر کربلا به همراه حسین علیه السلامبودیم. حضرت به شمر بن ذی الجوشن نگاهی کرد و فرمود: خدا و رسول او راست فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گویی سگِ پیسه ای را می بینم که در خون اهل بیت من دهان می زند. شمر پیس بود.

الخصائص الکبری للسیوطیّ : ۲ / ۱۲۵ .

حدیث۷۳

امام حسن علیه السلام :

ـ فی خُطبَةٍ بَعدَ قَتلِ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام ـ :لَقَد حَدَّثَنی جَدّی رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله أنَّ الأَمرَ یَملِکُهُ اثنا عَشَرَ إمامًا مِن أهلِ بَیتِهِ وصَفوَتِهِ ، ما مِنّا إلاّ مَقتولٌ أو مَسموم

امام حسن علیه السلام ـ در خطبه ای که پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلامایرادفرمود ـ : جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که امر امامت را دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان او به عهده می گیرند و هیچ یک از ما نیست، مگر این که یا به قتل می رسد و یا با زهر کشته می شود.

کفایة الأثر : ۱۶۰ عن هشام بن محمّد عن أبیه .

حدیث۷۴

امام حسن علیه السلام :

اُتِیَ بِبَعضِ بَنِی الحَسَنِ علیه السلام إلی أبی جَعفَرٍ

محمّدبن حسن از محمّدبن ابراهیم: یکی از فرزندان حسن علیه السلامرا نزد ابوجعفر [منصور دوانیقی] آوردند. او به محمّد بن ابراهیم بن حسن نگاهی کرد و گفت: دیباج اصفر تویی؟ گفت: آری. منصور گفت: به خدا قسم، تو را به چنان وضعی بکشم که تاکنون هیچ یک از افراد خاندانت را چنان نکشته باشم. سپس دستور داد ستونی را شکاف دادند و او را زنده زنده داخل آن کردند و رویش را بستند.

هو المنصور الدوانیقیّ .

حدیث۷۵

امام حسن علیه السلام :

ـ لسُفیانَ بنِ أبی لَیلی ـ : أبشِر یا سُفیانُ ، فَإِنَّ الدُّنیا تَسَعُ البَرَّ وَالفاجِرَ حَتّی یَبعَثَ اللّهُ إمامَ الحَقِّ مِن آلِ مُحَمِّدٍ صلی الله علیه و آله

امام حسن علیه السلام ـ در سخنی با سفیان بن ابی لیلی ـ : بشارتت باد ای سفیان؛ زیرا دنیا، نیکوکار و بدکار را در خود جای می دهد تا این که خداوند، پیشوای حقّ را از آل محمّد صلی الله علیه و آله بفرستد.

شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید : ۱۶ / ۴۵ عن سفیان بن أبی لیلی ، مقاتل الطالبیّین : ۷۶ ، الملاحم والفتن : ۹۹ .

حدیث۷۶

امام حسن علیه السلام :

ـ فی خُطبَتِهِ یَومَ الجُمُعَةِ ـ : إنَّ اللّهَ لَم یَبعَث نَبِیًّا إلاّ اختارَ لَهُ نَقیبًا ورَهطًا وبَیتًا ، فَوَالَّذی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالحَقِّ نَبِیًّا ، لا یَنتَقِصُ مِن حَقِّنا أهلَ البَیتِ أحَدٌ إلاّ نَقَّصَهُ اللّهُ مِن عَمَلِهِ مِثلَهُ ، ولا تَکونُ عَلَینا دَولَةٌ إلاّ وتَکونُ لَنَا العاقِبَةُ ، «ولَتَعلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعدَ حینٍ

امام حسن علیه السلام ـ در خطبه روز جمعه ـ : خداوند هیچ پیامبری نفرستاد، مگر این که برای او نقیبی و قومی و خانواده ای برگزید. سوگند به آن که محمّد را به حقّ پیامبر کرد ، هیچ کس نیست که حقّ ما اهل بیت را کم گزارد مگر این که خداوند به همان مقدار از عمل او بکاهد و هیچ دولتی بر ضد ما نباشد، مگر این که عاقبت از آنِ ما باشد «وقطعاً پس از چندی خبر آن را

خواهید دانست» .

مروج الذهب : ۳ / ۹ ، وراجع نثر الدرّ : ۱ / ۳۲۸ .

حدیث۷۷

امام حسن علیه السلام :

إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله ذَکَرَ بَلاءً یَلقاهُ أهلُ بَیتِهِ علیهم السلام ، حَتّی یَبعَثَ اللّهُ رایَةً مِنَ المَشرِقِ سَوداءَ ، مَن نَصَرَها نَصَرَهُ اللّهُ ، ومَن خَذَلَها خَذَلَهُ اللّهُ ، حَتّی یَأتوا رَجُلًا اِسمُهُ کَاسمی ، فَیُوَلّونَهُ أمرَهُم ، فَیُؤَیِّدُهُ اللّهُ ویَنصُرُهُ

امام حسن علیه السلام: پیامبر از رنج و بلاهایی یاد کرد، که اهل بیتش علیهم السلامتا زمانی که خداوند پرچمهای سیاهی را از مشرق می فرستد، می بینند. هرکس آنها را یاری دهد، خداوند یاریش رساند و هرکس تنهایشان گذارد، خداوند او را تنها و بی یاور گذارد؛ صاحبان این پرچمها، نزد مردی که همنام من است می روند و زمام امور خود را به دست او می سپارند و خداوند او را پشتیبانی می کند و نصرتش می دهد.

عقد الدرر : ۱۳۰ ، الملاحم والفتن : ۴۹ عن العلاء بن عتبة .

حدیث۷۸

امام حسن علیه السلام :

حَضَرتُ مَجلِسَ المَأمونِ یَومًا وعِندَهُ عَلِیُّ بنُ موسَی الرِّضا علیه السلاموقَدِ اجتَمَعَ الفُقَهاءُ وأهلُ الکَلامِ مِنَ الفِرَقِ المُختَلِفَةِ . . . قالَ لَهُ المَأمونُ : یا أبَا الحَسَنِ بَلَغَنی أنَّ قَومًا یَغلُونَ فیکُم ویَتَجاوزونُ فیکُمُ الحَدَّ . فَقالَ الرِّضا علیه السلام : حَدَّثَنی أبی موسَی بنُ جَعفَرٍ عن أبیهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أبیهِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ عَن أبیهِ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ عَن أبیهِ الحُسَینِ ابنِ عَلِیٍّ عَن أبیهِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ علیهم السلام قالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لا تَرفَعونی فَوقَ حَقّی ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالَی اتَّخَذَنی عَبدًا قَبلَ أن یَتَّخِذَنی نَبِیًّا ، قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی : «ما کانَ لِبَشَرٍ أن یُؤتِیَهُ اللّهُ الکِتابَ وَالحُکمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ یَقولَ لِلنّاسِ کونوا عِبادًا لی مِن دونِ اللّهِ ولکِن کونوا رَبّانِیّینَ بِما کُنتُم تُعَلِّمونَ الکِتابَ وبِما کُنتُم تَدرُسونَ * ولا یَأمُرَکُم أن تَتَّخِذُوا المَلائِکَةَ وَالنَّبِیّینَ أربابًا أیَأمُرُکُم بِالکُفرِ بَعدَ إذ أنتُم مُسلِمونَ

حسن بن جهم: روزی در انجمن مأمون حاضر بودم و علی بن موسی الرضا علیه السلامنیز نزد او بود و فقیهان و متکلمان فِرقه های مختلف، جمع بودند. ... مأمون به آن بزرگوار عرض کرد: شنیده ام که گروهی درباره شما غُلو می کنند و نسبت به شما پا را از حد فراتر می گذارند. حضرت رضا علیه السلامفرمود: پدرم، موسی بن جعفر از پدرش، جعفر بن محمّد از پدرش، محمّد بن علی از پدرش، علی بن الحسین از پدرش، حسین بن علی از پدرش، علی بن ابی طالب علیهم السلام حدیث کرد که آن جناب فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا از آن چه سزاوارم، فراتر نبرید؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی پیش از آن که مرا پیامبر قرار دهد، بنده خود قرار داد. خدای تبارک و تعالی فرموده است: «هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد، سپس او به مردم بگوید: به جای خدا، بنده من باشید، بلکه [باید بگوید:] به سبب آن که کتاب (آسمانی) تعلیم می دادید و از آن رو که درس می خواندید، علمای دین باشید. و (نیز) شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی گیرید. آیا پس از آن که سر به فرمان (خدا) نهاده اید، (باز) شما را به کفر وا می دارد؟!».

علی علیه السلامفرمود: درباره من دو گروه به هلاکت رسند، در حالی که تقصیر من نیست: دوست افراطی و دشمن افراطی و من به پیشگاه خدای تبارک و تعالی، اعلام بیزاری می کنم از کسی که درباره ما غلو کند و ما را از حدّمان فراتر برد، همان گونه که

عیسی بن مریم علیه السلام از نصارا بیزاری جست. خداوند متعال فرموده است: «و (یاد کن) هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟ گفت: منزّهی تو، مرا نزیبد که [درباره خویشتن]چیزی را که حقّ من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم، قطعاً آن را می دانستی. آن چه در نفس من است، تو می دانی و آن چه در ذات توست، من نمی دانم، چرا که تو خود دانای رازهای نهانی. من جز آن چه را بدان فرمانم دادی، به آنان نگفتم؛ (گفته ام:) که خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید و تا وقتی در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم، پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر همه چیز، گواهی» . و فرموده است: «مسیح از این که بنده خدا باشد، هرگز امتناع نمی ورزد و فرشتگان مقرّب نیز [امتناع ندارند]» . و فرموده است: «مسیح پسر مریم، جز پیامبری نبود که پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود، هر دو غذا می خوردند» . یعنی هر دو قضای حاجت می کردند. پس هرکه برای پیامبران، ادّعای ربوبیّت و برای امامان، ادّعای ربوبیّت یا نبوّت و برای غیر امامان ادّعای امامت، کند ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم.

آل عمران : ۷۹ و ۸۰.

حدیث۷۹

امام حسن علیه السلام :

كُنتُ بِخُراسانَ مَعَ عَلِيِّ بنِ موسَى الرِّضا علیهماالسلام

فی مَجلِسِهِ ، وزَيدُ بنُ موسى حاضِرٌ قَد أقبَلَ عَلى جَماعَةٍ فِي المَجلِسِ يَفتَخِرُ عَلَيهِم ويَقولُ : نَحنُ ونَحنُ ، وأبُو الحَسَنِ علیه السلام مُقبِلٌ عَلى قَومٍ يُحَدِّثُهُم ، فَسَمِعَ مَقالَةَ زَيدٍ فَالتَفَتَ إلَيهِ فَقالَ : يا زَيدُ ، أغَرَّكَ قَولُ بَقّالِي الكوفَةِ : إنَّ فاطِمَةَ أحصَنَت فَرجَها فَحَرَّمَ اللّه ُ ذُرِّيَّتَها عَلَى النّارِ ؟! وَاللّه ، ما ذلِكَ إلاّ لِلحَسَنِ وَالحُسَينِ ووُلدِ بَطنِها خاصَّةً ، فَأَمّا أن يَكونَ موسَى بنَ جَعفَرٍ علیهماالسلامیُطيعُ اللّه َ ويَصومُ نَهارَهُ ويَقومُ لَيلَهُ وتَعصيهِ أنتَ ، ثُمَّ تَجيئانِ يَومَ القِيامَةِ سَواءً ؟! لَأَنتَ أعَزُّ عَلَى اللّه ِ عَزَّوجَلَّ مِنهُ ! إنَّ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ علیهماالسلامكانَ يَقولُ : لِمُحسِنِنا كِفلانِ مِنَ الأَجرِ ولِمُسيئِنا ضِعفانِ مِنَ العَذابِ .

وقالَ الحَسَنُ الوَشّاءُ : ثُمَّ التَفَتَ إلَيَّ فَقالَ : يا حَسَنُ ، كَيفَ تَقرَؤون هذِهِ الآيَةَ : «قالَ يا نوحُ إنَّهُ لَيسَ مِن أهلِكَ إنَّهُ عَمَلٌ غَيرُ صالِحٍ

حسن بن موسی وشّاء بغدادی: من در خراسان، در مجلس علی بن موسی

الرضا علیهماالسلام

بودم و زید بن موسی (برادر حضرت) نیز حضور داشت و رو به عده ای از مجلسیان کرده بود و بر آنان فخر می فروخت و می گفت: ما چنین و چنانیم. حضرت رضا علیه السلام که مشغول سخن گفتن برای عده ای دیگر بود، سخنان زید را شنید و رو به او کرده فرمود: ای زید! آیا این سخن سبزی فروشان کوفه تو را مغرور ساخته است که می گویند: فاطمه، دامن خود را پاک نگهداشت و از این رو خداوند آتش را بر ذریّه او حرام کرد؟! به خدا قسم که این فقط اختصاص به حسن و حسین و فرزندی دارد که از شکم او زاییده شده باشد. اما این که موسی بن جعفر، خدا را اطاعت کند و روزها روزه بگیرد و شبها را به عبادت گذراند و تو معصیت خدا کنی و سپس در روز قیامت یکسان باشید، در این صورت، تو نزد خدای عز و جلعزیزتر از او خواهی بود! علی بن الحسین علیهماالسلاممی فرمود: برای نیکوکار ما، دو بهره از پاداش است و برای بدکردار ما، دو برابر عذاب.

حسن وشّاء گوید: آن حضرت سپس رو به من کرد و فرمود: ای حسن، این آیه را چگونه قرائت می کنید: «قالَ يا نُوحُ اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ» . عرض کردم: بعضیها آن را «اِنَّه عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ» (به وصف غیر برای عمل) قرائت می کنند و برخی

دیگر «انَّهُ عَمَلُ غَیْرِ صالحٍ» (به اضافه عمل به غیر) می خوانند. پس، کسی که «اِنَّه عَمَلُ غَیْرِ صالحٍ» (به اضافه) قرائت می کند او را از فرزندی نوح نفی می کند. حضرت فرمود: هرگز؛ او فرزند نوح بود، اما چون خدای عز و جلرا نافرمانی کرد، خداوند او را از پدرش نفی کرد. همین طور، هریک از ما اهل بیت که خدای عز و جلرا نافرمانی کند از ما نیست و تو نیز چنانچه خداوند را فرمان بری، از ما اهل بیت هستی.

هود : ۴۶ .

حدیث۸۰

امام حسن علیه السلام :

لَیسَ هُوَ بِغَریبٍ ، إنَّ أبا عُبَیدَةَ مِنّا أهلَ البَیتِ

ابوالحسن: همسر ابو عبیده پس از مرگ او، به خدمت امام صادق علیه السلامرسید و عرض کرد: من برای این گریه می کنم که او غریب مرد. حضرت فرمود: او غریب نیست؛ ابوعبیده از ما اهل بیت است.

مستطرفات السرائر : ۴۰ / ۴ .

حدیث۸۱

امام حسن علیه السلام :

ذُکِرَ عِندَهُ سَلمانُ الفارِسِیُّ فَقالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : مَه ! لا تَقولوا سَلمانَ الفارِسِیَّ ، ولکِن قولوا سَلمانَ المُحَمَّدِیَّ ، ذلِکَ رَجُلٌ مُنّا أهلَ البَیتِ

حسن بن صهیب: در حضور امام باقر علیه السلام از سلمان فارسی سخن به میان آمد. حضرت فرمود: نه، نگویید سلمان فارسی، بگویید سلمان محمّدی؛ او فردی از ما اهل بیت است.

رجال الکشّیّ : ۱ / ۵۴ / ۲۶ ، وذکره أیضًا فی : ۷۱ / ۴۲ عن محمّد بن حکیم ، روضة الواعظین : ۳۱۰ .

حدیث۸۲

امام حسن علیه السلام :

: الرّاغِبُ فیها عَبدٌ لِمَن یَملِکُها .

امام حسن علیه السلام ـ در نکوهش دنیا ـ : دنیاخواه، بنده دنیادار است.

کنز العمّال : ج ۱۶ ص ۲۱۴ ح ۴۴۲۳۶ نقلاً عن ابن النجّار .

حدیث۸۳

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا قیلَ لَهُ : مَا الزُّهدُ؟ ـ : الرَّغبَةُ فِی التَّقوی .

امام حسن علیه السلام : ـ در پاسخ به این سؤال که زهد چیست؟ ـ : رغبت به تقواست .

تحف العقول : ص ۲۲۵ ، بحار الأنوار : ج ۷۸ ص ۱۰۲ ح ۲ .

حدیث۸۴

امام حسن علیه السلام :
إنَّ الـدُّنیا دارُ بَلاءٍ وفِتنَةٍ ، وکُلُّ ما فیها إلی زَوالٍ ، وقَد نَبَّأَنَا اللّه ُ عَنها کَیما نَعتَبِرَ ، فَقَدَّم إلَینا بِالوَعیدِ کَی لا یَکونَ لَنا حُجَّةٌ بَعدَ الإِنذارِ ، فَازهَدوا فیما یَفنی ، وَارغَبوا فیما یَبقی .
امام حسن علیه السلام : دنیا ، سرای رنج و گرفتاری است و هر آنچه در آن است ، رو به نیستی است. خداوند ، ما را از [احوال] دنیا آگاه ساخته است تا درس عبرت بیاموزیم . ما را پیشاپیش بیم داده است تا بعـد از هشدار، دیگر عذر و بهانه ای نداشـته باشـیم. پس به آنچه فنا می پذیرد (یعنی دنیا) زهد بورزید و آنچه را ماندگار است ، بخواهید.
التوحید : ص ۳۷۸ ح ۲۴ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبیه وغیره وراجع المناقب لابن شهرآشوب : ج ۴ ص ۳۱ .

حدیث۸۵

امام حسن علیه السلام :
الزَّهادَةُ فِی الدُّنیا هِیَ الغَنیمَةُ البارِدَةُ .
امام حسن علیه السلام : زهد به دنیا، غنیمتی باد آورده است.
المعجم الکبیر : ج ۳ ص ۶۹ ح ۲۶۸۸ ، تاریـخ دمشق : ج ۱۳ ص ۲۵۶ کلاهمـا عن الحارث الأعور ، کنز العمّال : ج ۱۶ ص ۲۱۵ ح ۴۴۲۳۷ ؛ العدد القویّة : ص ۵۳ ح ۶۴ .

حدیث۸۶

امام حسن علیه السلام :
خَرَجَ النَّبِی صلی الله علیه و آله عَلی أصحابِهِ ذاتَ یَومٍ فَقالَ : هَل مِنکُم مَن یُریدُ أن یُؤتِیَهُ اللّه ُ عِلما بِغَیرِ تَعَلُّمٍ ، وهُدیً بِغَیرِ هِدایَةٍ ؟ هَل مِنکُم مَن یُریـدُ أن یُذهِبَ اللّه ُ عَنهُ العَمی ویَجعَلَهُ بَصیرا؟ ألا إنَّهُ مَن رَغِبَ فِی الدُّنیا وأطالَ أمَلَهُ فیها أعمَی اللّه ُ قَلبَهُ عَلی قَدرِ ذلِکَ ، ومَن زَهِدَ فِی الدُّنیا وقَصَّرَ أمَلَهُ فیها أعطاهُ اللّه ُ عِلما بِغَیرِ تَعَلُّمٍ ، وهُدیً بِغَیرِ هِدایَةٍ .
حلیهٔ الأولیاء ـ به نقل از حسن ـ: روزی ، پیامبر صـلی الله علیه و آله به نزد اصـحابش آمد و فرمود: «آیا در میان شما کسی هست که بخواهـد خداونـد ، او را بی آموختن ، دانش عطا کنـد و بی هـدایتگری ، هـدایت کنـد؟ آیا در میان شـما کسـی هست که بخواهد خداونـد ، کوردلی را از او ببرد و بینـایش گردانـد؟ بدانیـد که هر کس به دنیـا راغب شود و آرزویش را در دنیا دور و دراز کنـد ، خداونـد به همان انـدازه ، دلش را کور می گردانـد، و هر کس در دنیا زهـد بورزد و آرزویش را در دنیا کوتاه کند ، خداوند او را بی آموختن ، دانش عطا می کند و بدون هدایتگری ، هدایت می کند.
حلیهٔ الأولیاء : ج ۶ ص ۳۱۲ وج ۸ ص ۱۳۵ ، شُعب الإیمان : ج ۷ ص ۳۶۰ ح ۱۰۵۸۲ نحوه ، کنز العمّال : ج ۳ ص ۲۰۹ ح ۶۱۹۵ ؛ تیسیر المطالب : ص ۳۶۵ ، تنبیه الخواطر : ج ۱ ص ۱۳۱ عن أنس نحوه .

حدیث۸۷

امام حسن علیه السلام :
: یـا عَمّاه ؛ إنَّ القَومَ قَـد أتَوا إلَیکَ ما قَـد تَری ، وإنَّ اللّهَ بِالمَنظَرِ الأَعلی ، فَـدَع عَنکَ ذِکرَ الـدُّنیا بِـذِکرِ فِراقِها ، وشِـدَّةَ ما یَرِدُ عَلَیکَ

لِرَخاءِ ما بَعدَها .

امام حسن علیه السلام ـ در گفتاری در هنگام بـدرود با ابو ذر ـ : عموجان! این مردم ، با تو آن کردنـد که می بینی، و البتّه خـداوند در منظر برین است [و ناظر بر همه این کارهاست]. پس، با یاد کردن از جـدایی دنیا ، یاد دنیا را از دل برون کن، و به خاطر آسایشِ پس از آن ، سختی هایی را که به تو می رسند ، تحمّل کن.

الکافی : ج ۸ ص ۲۰۷ ح ۲۵۱ عن أبی جعفر الخثعمی ، بحار الأنوار : ج ۲۲ ص ۴۳۶ ح ۵۱ وراجع شرح نهج البلاغهٔ : ج ۸ ص ۲۵۳ .

حدیث۸۸

امام حسن علیه السلام :

: الغَریبُ مَن لَم یَکُن لَهُ حَبیبٌ .

امام علی علیه السلام ـ در وصیّت خویش به امام حسن علیه السلام ـ : غریب ، کسی است که دوستی ندارد .

نهـج البلاغهٔ : الکتاب ۳۱ ، تحـف العقول : ۸۴ ، کشف المحجّهٔ : ۲۳۳ عن عمر بن أبی المقـدام عن الإمام الباقر عنه علیهماالسـلام ، بحار الأنوار : ۷۴/۱۶۵/۲۸ ؛ ربیع الأبرار : ۳ / ۵۳۸ ، کنز العمّال : ۱۶ / ۱۸۱ / ۴۴۲۱۵ نقلاً عن وکیع والعسکریّ فی المواعظ .

حدیث۸۹

امام حسن علیه السلام :

خَطَبَ النّاسَ الحَسَنُ بنُ عَلِیٍّ صَلَواتُ اللّه عَلَیهما فَقالَ : أیُّهَا النّاسُ ، أنَا اُخبِرُکُم عَن أخٍ لی کانَ مِن أعظَمِ النّاسِ فی عَینی ، وکانَ رَأسُ ما عَظُمَ بِهِ فی عَینی صِغَرَ الدُّنیا فی عَینِهِ .

کانَ خارِجا مِن سُلطانِ بَطنِهِ ؛ فَلا یَشتَهی ما لا یَجِدُ ، ولا یُکثِرُ إذا وَجَدَ .

کانَ خارِجا مِن سُلطانِ فَرجِهِ ؛ فَلا یَستَخِفُّ لَهُ عَقلَهُ ولا رَأیَهُ .

کانَ خارِجا مِن سُلطانِ الجَهالَةِ ؛ فَلا یَمُدُّ یَدَهُ إلاّ عَلی ثِقَةٍ لِمَنفَعَةٍ .

کانَ لا یَتَشَهّی ، ولا یَتَسَخَّطُ ، ولا یَتَبَرَّمُ . کانَ أکثَرَ دَهرِهِ صَمّاتا ، فَإِذا قالَ بَذَّ القائِلینَ ، کانَ لا یَدخُلُ فی مِراءٍ ، ولا یُشارِکُ فی دَعوی ، ولا یُدلی بِحُجَّةٍ حَتّی یَری قاضِیا . وکانَ لا یَغفُلُ عَن إخوانِهِ ، ولا یَخُصُّ نَفسَهُ بِشَیءٍ دونَهُم . کانَ ضَعیفا مُستَضعَفا ، فَإِذا جاءَ الجِدُّ کانَ لَیثا عادِیا .

کانَ لا یَلومُ أحَدا فیما یَقَعُ العُذرُ فی مِثلِهِ حَتّی یَری اعتِذارا . کانَ یَفعَلُ ما یَقولُ ، ویَفعَلُ ما لا یَقولُ . کانَ إذَا ابتَزَّهُ أمرانِ لا یَدری أیُّهُما أفضَلُ نَظَرَ إلی أقرَبِهِما إلَی الهَوی فَخالَفَهُ . کانَ لا یَشکو وَجَعا إلاّ عِندَ مَن یَرجو عِندَهُ البُرءَ ، ولا یَستَشیرُ إلاّ مَن یَرجو عِندَهُ النَّصیحَةَ . کانَ لا یَتَبَرَّمُ ، ولا یَتَسَخَّطُ ، ولا یَتَشَکّی ، ولا یَتَشَهّی ، ولا یَنتَقِمُ ، ولا یَغفُلُ عَنِ العَدُوِّ .

فَعَلَیکُم بِمِثلِ هذِهِ الأَخلاقِ الکَریمَةِ إن أطَقتُموها ، فَإِن لَم تُطیقوها کُلَّها فَأَخذُ القَلیلِ خَیرٌ مِن تَرکِ الکَثیرِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّه .

الکـافی ـ به نقـل از احمـد بن محمّـد بن خالـد، از پاره ای از یارانش که این حـدیث را به امام حسن علیه السـلامبی رساننـد ـ : امام حسن علیه السـلام برای مردم ، خطبه خوانـد و فرمود : «ای مردم ! من شـما را از برادری خبر می دهم که در چشـمم از بزرگ ترینِ مردم بود . علّت اصلی بزرگ جلوه نمودنش در چشمم، کوچکی دنیا در چشم او بود .

او مغلوب شکمش نبود . پس آنچه را نمی یافت ، آرزو نمی کرد و اگر می یافت ، از حد نمی گذراند .

او مغلوب شهوتش نبود. پس برای آن ، نه عقل خود را سبک می کرد و نه رأیش را .

مغلوب نادانی نبود. پس دستش را جز به سوی شخص مورد اطمینان برای سودی دراز نمی کرد .
نه هوسران بود ، نه خشمگین می شد و نه افسرده می گشت .
بیشتر روزگارش را خاموش بود ؛ اما چون سخن می گفت، بر گویندگان پیشی می گرفت و در هیچ جدالی وارد نمی شد و در هیچ دعوایی شرکت نمی جست و تا قاضی ای] برای شنیدن سخنانش [نمی یافت ، حجّت آوری نمی کرد .
از برادرانش غافل نمی گشت و چیزی را از آنان بازنمی داشت و ویژه خود نمی ساخت . به ظاهر ، ناتوان می نمود ؛ اما به هنگام کوشش ، شیری شَرزه بود .
هیچ کس را به سبب کاری که در مثل آن ، پوزش می آورند ، سرزنش نمی کرد ، تا عذرش را بداند .
آنچه می گفت ، انجام می داد و آنچه نمی گفت ، نیز انجام می داد.
هرگاه با دو مسئله رویاروی می شد و نمی دانست کدام یك از آنها برترند ، می نگریست که کدام یك به هوای نفس ، نزدیک تر است . پس با آن مخالفت می کرد .
از هیچ دردی شِکوه نمی کرد ، مگر نزد کسی که امید بهبود خود را از او داشت ، و جز با کسی که از او امید نیکخواهی داشت ، مشورت نمی کرد .
افسرده و خشمگین نمی شد و پُر شکایت و هوسران نبود . از کسی انتقام نمی گرفت و در عین حال ، از دشمن ، غافل نمی گشت .
پس اگر توانش را داشتید ، چنین خوی های بزرگوارانه ای به دست آورید و پایبند آنها باشید و اگر طاقت همه اش را نداشتید ،]بدانید که [به دست آوردن اندك ، بهتر از واگذاشتن بسیار است ، و دگرگونی و توانی جز به وسیله خدا نیست» .
الکافی : ۲ / ۲۳۷ / ۲۶ ، مشکاة الأنوار : ۲۴۰ وفیه «ولا ـ یقول ما لا یفعل» بدل «ویفعل ما لا یقول» ، بحار الأنوار : ۶۹ / ۲۹۴ / ۲۴ ؛ البدایة والنهایة : ۸ / ۳۹ عن محمّد بن کیسان الأصمّ نحوه.

حدیث۹۰

امام حسن علیه السلام :
: الإِخاءُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ .
امام حسن علیه السلام ـ هنگامی که از ایشان سؤال شد که [حقیقتِ]دوستی و برادری چیست ؟ ـ : همدردی کردن ، چه در سختی و چه در آسایش .
تحف العقول : ۲۲۵ ، بحار الأنوار : ۷۸ / ۱۰۳ / ۲ .

حدیث۹۱

امام حسن علیه السلام :
مَن عَرَفَ اللّه َ أحَبَّهُ .
امام حسن علیه السلام : هرکه خدا را بشناسد ، او را دوست خواهد داشت .
تنبیه الخواطر : ۱ / ۵۲ .

حدیث۹۲

امام حسن علیه السلام :

: إلهی ، أطَعتُکَ ـ ولَکَ المِنَّةُ عَلَیَّ ـ فی أحَبِّ الأشیاءِإلَیکَ؛ الإیمانِ بِکَ وَالتَّصدیقِ بِرَسولِکَ، ولَم أعصِکَ فیأبغَضِ الأشیاءِ إلَیکَ؛ الشِّرکِ بِکَ وَالتَّکذیبِ بِرَسولِکَ، فَاغفِر لی مابَینَهُما یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

امام حسن علیه السلام ـ در دعایش ـ : بارالها ! در مورد محبوب ترین چیزها در نزدت ـ یعنی ایمان به تو و تصدیق به پیامبرت ـ ، تو را فرمان بردم ، گرچه در آن نیز تو بر من منّت داری ؛ و در مورد دشمن ترین چیزها در نزدت ـ یعنی شرک ورزیدن به تو و تکذیب پیامبرت ـ تو را نافرمانی نکردم . پس ای مهربان ترین مهربانان ! آنچه را میان این دو است ، بر من ببخش .

مُهج الدعوات : ۱۸۲ ، بحار الأنوار : ۹۴ / ۱۹۰ / ۳ نقلاً عن الکتاب العتیق الغروی .

حدیث۹۳

امام حسن علیه السلام :

تُجهَلُ النِّعَمُ ما أقامَت ، فإذاوَلَّت عُرِفَت .

امام حسن علیه السلام : نعمت ها تا هستند ناشناخته اندو همین که رفتند [قدرشان]شناخته می شوند.

بحار الأنوار : ۷۸ / ۱۱۵ / ۱۲.

حدیث۹۴

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا قالَ لَهُ رجُلٌ : ما بالُنانکرَهُ الموتَ ولا نُحِبُّهُ؟ ـ : لِأنّکُم أخرَبتُم آخِرَتَکُم ، وعَمّرتُم دُنیاکُم ، وأنتُم تَکرَهونَ النُّقلَةَ مِن العُمرانِ إلَی الخَرابِ .

امام حسن علیه السلام ـ در جواب مردی که به او عرض کرد : چرا مرگ را ناخوش داریم و آن را دوست نداریم؟ ـ فرمود : زیرا شما آخرت خود را ویران و دنیایتان را آباد کرده اید و دوست ندارید از آبادانی به ویرانه منتقل شوید.

معانی الأخبار : ۳۹۰/۲۹ .

حدیث۹۵

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا سُئلَ عَنِ المُروءَةِ ـ : حِفظُ الدِّینِ ، وإعزازُ النّفسِ ، ولِینُ الکَنَفِ ، وتَعَهُّدُ الصَّنیعَةِ ، وأداءُ الحُقوقِ ، والتَّحَبُّبُ إلَی النّاسِ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به سؤال از مردانگی ـ فرمود: حفظ دین و عزّت نفس و نرمش و مداومت بر نیکی و احسان و گزاردن حقوق و دوستی نمودن با مردم است.

تحف العقول : ۲۲۵.

حدیث۹۶

امام حسن علیه السلام :

المؤمنُ لا یَلهو حتّی یَغفُلَ ،فإذا تَفَکّرَ حَزِنَ .

امام حسن علیه السلام : مؤمن ، سرگرمی نمی کند تا در نتیجه غافل گردد. پس چون [لحظه ای در کار خود] بیندیشد اندوهگین شود.

تنبیه الخواطر : ۱/۵۲.

حدیث۹۷

امام حسن علیه السلام :

مَن عَدَّدَ نِعَمَهُ مَحَقَ کَرَمَهُ .

امام حسن علیه السلام : هر که احسانهای خود را بر شمرد،بخشندگی خویش را از بین برده است.

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۳/۷

حدیث۹۸

امام حسن علیه السلام :

أمّا الکَرَمُ فالتَّبرُّعُ بالمَعروفِ والإعطاءُ قَبلَ السُّؤالِ .

امام حسن علیه السلام : بزرگواری، احسان کردن داوطلبانه است و دَهِش پیش از خواهش.

بحار الأنوار : ۴۴/۸۹/۲.

حدیث۹۹

امام حسن علیه السلام :

لا یَنبغی لِمَن عَرَفَ عَظَمَةَ اللّهِ أن یَتعاظَمَ ، فإنّ رِفعَةَ الذینَ یَعلَمونَ عَظَمَةَ اللّهِ أن یَتواضَعُوا ، و (عِزَّ) الذینَ یَعرِفُونَ ما جَلالُ اللّهِ أن یَتَذَلَّلوا (لَهُ) .

امام حسن علیه السلام : سزاوار نیست کسی که بزرگی خدارا می شناسد، خود بزرگ بین باشد؛ زیرا بزرگی کسانی که عظمت خدا را می دانند، در این است که افتادگی کنند و عزّت کسانی که جلال و شکوه خدا را می شناسند، در این است که [در برابر او]خواری نمایند .

بحار الأنوار : ۷۸/۱۰۴/۳.

حدیث۱۰۰

امام حسن علیه السلام :

اعلمْ أنَّ مُروَّةَ القَناعَهِ والرِّضا أکثرُ مِن مُرُوّةِ الإعطاءِ .

امام حسن علیه السلام : بدان که مردانگی قناعت و خرسندی، بیشتر از مردانگی داد و دهش است.

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۱/۶.

حدیث۱۰۱

امام حسن علیه السلام :

أسلَمُ القُلوبِ ما طَهُرَمِن الشُّبُهاتِ .

امام حسن علیه السلام : سالمترین دلها، دلی است که از شبهات پاک باشد.

تحف العقول : ۲۳۵.

حدیث۱۰۲

امام حسن علیه السلام :

اُوصیکُم بتَقوَی اللّهِ وإدامَةِ التَّفَكُّرِ ؛فإنَّ التَّفَكُّرَ أبو كُلِّ خَيرٍ واُمُّهُ .

امام حسن علیه السلام : شما را به تقوای الهی و اندیشیدنِ همیشگی سفارش می کنم؛ زیرا که اندیشیدن پدر و مادر همه خوبیهاست.

تنبیه الخواطر : ۱/۵۲.

حدیث۱۰۳

امام حسن علیه السلام :

التفكُّرُ حَياةُ قَلبِ البَصيرِ .

امام حسن علیه السلام : اندیشیدن، مایه زندگی دل شخص با بصیرت است.

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۵/۱۱.

حدیث۱۰۴

امام حسن علیه السلام :

ـ لمّا سُئلَ عنِ الفَقرِ ـ : شَرَهُ النفسِ إلى كُلِّ شيءٍ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به این سؤال که فقرچیست ـ : آزمندی نفس، به هر چیزی.

تحف العقول : ۲۲۵ .

حدیث۱۰۵

امام حسن علیه السلام :

إنّ اللّهَ عَزَّوجلَّ بِمَنِّهِ ورَحمَتِهِ لَمّا فَرَضَ عَليكُمُ الفَرائضَ لم يَفرِضْ علَيكُم لِحاجَةٍ مِنهُ إلَيهِ ، بَل رَحمَةً مِنهُ إلَيكُم (علَيكُم) لا إلهَ إلّا هُو ، لِيَميزَ الخَبيثَ مِن الطَّيِّبِ ، ولِيَبتَلِيَ

ما في صُدورِكُم ، ولِيُمَحِّصَ ما في قُلوبِكُم .

امام حسن علیه السلام : خداوند عز و جل چون از روی کرم و رحمت خود فرایض را بر شما واجب ساخت نه بدان سبب بود که به شما نیاز داشت، بلکه از سر مهر و رحمت آن خداوند یگانه به شما بود، تا ناپاک را از پاک جدا سازد و آنچه را در سینه های شماست، بیازماید و آنچه را در دلهای شماست، ناب و خالص گرداند.

بحار الأنوار : ۲۳/۹۹/۳.

حدیث۱۰۶

امام حسن علیه السلام :

الغَفلَةُ تَرکُکَ المَسجِدَ ،وطاعَتُکَ المُفسِدَ .

امام حسن علیه السلام : غفلت آن است که مسجد [رفتن برای نماز]را ترک کنی و از تبهکار فرمان بری.

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۵/۱۰.

حدیث۱۰۷

امام حسن علیه السلام :

العاداتُ قاهِراتٌ ، فَمَنِ اعتادَ شَیئا فی سِرِّهِ وخَلَواتِهِ، فَضَحَهُ فی عَلانِیَتِهِ وعِندَ المَلَأِ.

امام حسن علیه السلام : عادتها مقهور کننده اند. پس، هر کس در نهان و خلوتهای خود به چیزی عادت کند، آن چیز او را در آشکار و میان جمع رسوا سازد.

تنبیه الخواطر : ۲/۱۱۳.

حدیث۱۰۸

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا سَألَهُ أبوهُ علیه السلام عَنِ العَقلِ ـ : حِفظُ قَلبِکَ ما استَودَعتَهُ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارش از او که خرد چیست؟ ـ فرمود : این که دلت آنچه را به او می سپاری، نگه دارد.

معانی الأخبار : ۴۰۱/۶۲.

حدیث۱۰۹

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا سُئلَ عَنِ العَقلِ ـ : التَّجَرُّعُ لِلغُصَّةِ حَتّی تَنالَ الفُرصَةَ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به این سؤال که خرد چیست؟ ـ فرمود : جام اندوه را جرعه جرعه نوشیدن تا به دست آمدن فرصت.

معانی الأخبار : ۲۴۰/۱

حدیث۱۱۰

امام حسن علیه السلام :

بِالعَقلِ تُدرَکُ الدّارانِ جَمیعا ، ومَن حُرِمَ مِنَ العَقلِ

امام حسن علیه السلام : با خرد است که هر دو سرای به دست می آید و هر که از خرد محروم باشد از هر دو سرای محروم شود.

کذا فی المصدر و الظاهر أنّ الصحیح: «حُرِمَ العقلَ» .

حدیث۱۱۱

امام حسن علیه السلام :

صاحِبِ النّاسَ مِثلَ ما تُحِبُّ أن يُصاحِبوكَ بِهِ .

امام حسن علیه السلام : با مردم آن گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.

أعلام الدين : ۲۹۷.

حدیث۱۱۲

امام حسن علیه السلام :

المَصائبُ مَفاتيحُ الأجرِ .

امام حسن علیه السلام : مصیبتها ، کلیدهای اجرند .

أعلام الدين : ۲۹۷ .

حدیث۱۱۳

امام حسن علیه السلام :

نِعمَ العَونُ الصَّمتُ فى مَواطِنَ كثيرَةٍ وإن كُنتَ فَصِيحا .

امام حسن علیه السلام : در بسیاری جاها ، خاموشی،یاوری نیکو است ؛ هرچند سخنور باشی .

معانى الأخبار:۴۰۱/۶۲.

حدیث۱۱۴

امام حسن علیه السلام :

قد أكثَرَ مِنَ الهَيبَةِ الصّامِتُ .

امام حسن علیه السلام : آدم خموش ، پر هیبت است .

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۳/۷ .

حدیث۱۱۵

امام حسن علیه السلام :

ـ فى جَوابِ رَجُلٍ قالَ لَهُ : إنّيمِن شِيعَتِكُم ـ : يا عبدَ اللّه ، إن كُنتَ لَنا فى أوامِرِنا وزَواجِرِنا مُطِيعا فقد صَدَقتَ ، وإن كُنتَ بخِلافِ ذلكَ فلا تَزِدْ فى ذُنوبِكَ بدَعواكَ مَرتَبةً شَرِيفَةً لَستَ مِن أهلِها ، لا تَقُلْ : أنا مِن شِيعَتِكُم ، ولكن قُل : أنا مِن مُوالِيكُم ومُحِبِّيكُم ومُعادِي أعدائكُم ، وأنتَ فى خَيرٍ وإلى خَيرٍ .

امام حسن علیه السلام ـ در جواب مردی که عرض کرد : من از شیعیان شما هستم ـ فرمود : ای بنده خدا! اگر مطیع اوامر و نواهی ما باشی ، راست می گویی ولی اگر چنین نباشی پس با ادعای چنین منزلت والایی که اهلش نیستی ، بر گناهانت میفزای . مگو : من از شیعیان شما هستم ، بلکه بگو : من از دوستداران شما و دشمن دشمنان شما هستم . در این صورت، تو آدم خوبی هستی وبه خوبی گرایش داری.

تنبیه الخواطر : ۲/۱۰۶ .

حدیث۱۱۶

امام حسن علیه السلام :

اللُّؤمُ أن لا تَشكُرَ النِّعمَةَ .

امام حسن علیه السلام : پستی این است که سپاسگزار نعمت نباشی .

تحف العقول : ۲۳۳ .

حدیث۱۱۷

امام حسن علیه السلام :

ـ وقد سُئلَ عنِ الشَّجاعةِ ـ : مُواقَفَةُ الأقرانِ ، والصَّبرُ عِندَ الطِّعانِ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست ؟ ـ فرمود : ایستادگی در برابر هماوردان ، و پایداری در نبرد .

بحار الأنوار: ۷۸/۱۰۴/۲

حدیث۱۱۸

امام حسن علیه السلام :

الإعطاءُ قَبلَ السُّؤالِ مِن أكبرِ السُّؤدُدِ .

امام حسن علیه السلام : بخشیدن پیش از طلب کردن [کسی]از بزرگترین سروری هاست .

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۳/۷ .

حدیث۱۱۹

امام حسن علیه السلام :

إنّ المسألَةَ لا تَحِلُّ إلّا فیإحدی ثلاثٍ : دَمٍ مُفجِعٍ ، أو دَینٍ مُقرِحٍ ، أو فَقرٍ مُدقِعٍ .

امام حسن علیه السلام : درخواست کردن روا نیست، مگر در یکی از این سه جا: خونبهای سنگین ، یا بدهکاری توانفرسا ، یا فقر کُشنده .

بحار الأنوار : ۹۶/۱۵۲/۱۶ .

حدیث۱۲۰

امام حسن علیه السلام :

ـ لرجل جاءَ إلَیهِ یَستَشِیرُهُ فی تَزویجِ ابنَتِهِ ـ : زَوِّجْها مِن رَجُلٍ تَقِیٍّ ، فإنّهُ إن أحَبَّها أكرَمَها وإن أبغَضَها لَم یَظلِمْها .

امام حسن علیه السلام ـ به مردی که با ایشان درباره ازدواج دختر خود مشورت کرد ـ فرمود : او را به مردی باتقوا شوهر ده ؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی کند .

مکارم الأخلاق : ۱/۴۴۶/۱۵۳۴ .

حدیث۱۲۱

امام حسن علیه السلام :

ما نَقَصَتْ زكاةٌ مِن مالٍ قَطُّ .

امام حسن علیه السلام : زکات ، هیچگاه از ثروت نمی کاهد .

بحار الأنوار: ۹۶/۲۳/۵۶.

حدیث۱۲۲

امام حسن علیه السلام :

أنا الضّامِنُ لِمَن لا يَهجِسُ فى قَلبِهِ إلّا الرِّضا أن يَدعُوَ اللّهَ فَيُستَجابَ لَهُ .

امام حسن علیه السلام : من برای کسی که جز خشنودی [از خدا]در دلش خطور نکند ، ضمانت می کنم که دعا کند و دعایش مستجاب شود .

بحار الأنوار : ۷۱ / ۱۵۹ / ۷۵

حدیث۱۲۳

امام حسن علیه السلام :

كيفَ يكونُ المؤمنُ مؤمنا وهو يَسخَطُ قِسمَهُ ويُحَقِّرُ مَنزِلَتَهُ والحاكِمُ علَيهِ اللّهُ ؟!

امام حسن علیه السلام : مؤمنی که از قسمت خود ناخشنود باشد و وضعیت خود را ناچیز شمارد در حالی که حاکم بر او (تعیین کننده سرنوشتش) خداست ، چگونه می تواند مؤمن باشد (ادّعای ایمان کند)؟!

بحار الأنوار : ۴۳/۳۵۱/۲۵ .

حدیث۱۲۴

امام حسن علیه السلام :

مَنِ اتَّكَلَ على حُسنِ الاختِيارِ مِنَ اللّهِ ، لَم يَتَمَنَّ أ نّهُ فى غَيرِ الحالِ التى اختارَها اللّهُ لَهُ .

امام حسن علیه السلام : هرکه به حُسن انتخاب خداوند تکیه کند ، جز آن وضعی را که خدا برایش برگزیده است، آرزوی داشتن وضعی دیگر نکند .

بحار الأنوار : ۷۸/۱۰۶/۶

حدیث۱۲۵

امام حسن علیه السلام :

مَن قَرَأ القرآنَ كانَت لَهُ دعوةٌ مُجابةٌ إمّا مُعَجَّلَةً و إمّا مُؤَجَّلةً .

امام حسن علیه السلام : کسی که قرآن بخواند دعایی مستجاب دارد ، زود یا دیر .

بحار الأنوار : ۹۳/۳۱۳/۱۷ .

حدیث۱۲۶

امام حسن علیه السلام :

أنا الضّامِنُ لِمَن لَم یَهجُسْ فی قلبِهِ إلّا الرّضا أن یَدعُوَ اللّه َ فیُستَجابَ لَهُ .

امام حسن علیه السلام : کسی که در دلش هوایی جز خشنودی [خدا] نگذرد، من ضمانت می کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند .

بحار الأنوار : ۴۳ / ۳۵۱ / ۲۵

حدیث۱۲۷

امام حسن علیه السلام :

ما فَتَحَ اللّه ُ عزّوجلّ علی أحدٍ بابَ مسألةٍ فَخَزنَ عَنهُ بابَ الإجابةِ .

امام حسن علیه السلام : خداوند عز و جل باب مسئلت (دعا) را به روی هیچ کس نگشود، که باب اجابت را به روی او بسته باشد .

بحار الأنوار : ۷۸/۱۱۳/۷

حدیث۱۲۸

امام حسن علیه السلام :

الخَیرُ الّذی لا شَرَّ فیهِ: الشُّکرُمَع النِّعمَةِ ، والصَّبرُ علی النّازِلَةِ .

امام حسن علیه السلام : خیری که در آن هیچ شرّی نیست : شکر بر نعمتهاست و شکیبایی در برابر ناملایمات.

تحف العقول : ۲۳۴ .

حدیث۱۲۹

امام حسن علیه السلام :

مَن عَبدَ اللّه َ عَبّدَ اللّه ُ لَهُ کُلَ شَیءٍ .

امام حسن علیه السلام : هر که خدا را بندگی کند خداوند همه اشیاء را بنده او گرداند .

تنبیه الخواطر : ۲/۱۰۸ .

حدیث۱۳۰

امام حسن علیه السلام :

ـ وقد سُئلَ عنِ الحِلْمِ ـ : کَظْمُ الغَیظِ ومِلْکُ النَّفْسِ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به پرسش از معنای بردباری ـ فرمود : فرو خوردن خشم و خویشتنداری .

بحار الأنوار: ۷۸/۱۰۲/۲

حدیث۱۳۱

امام حسن علیه السلام :

ـ لمّا سألَهُ أبوه عن تفسيرِالجَهلِ ـ : سُرعةُ الوُثوبِ علَى الفُرْصةِ قبلَ الاسْتِمْكانِ مِنها ، والامْتِناعُ عنِ الجَوابِ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به پرسش پدرش از تفسیر نادانی ـ فرمود : استفاده کردن زود هنگام از فرصت پیش از آن که آن را کاملاً به دست آوری، و خودداری کردن از جواب.

معانی الأخبار:۴۰۱/۶۲.

حدیث۱۳۲

امام حسن علیه السلام :

ـ وقد سُئلَ عن الجُبن ـ : الجُرأةُ على الصَّديقِ ، والنُّكُولُ عَن العَدُوِّ .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به این پرسش که: ترسویی چیست؟ ـ فرمود : دلیری کردن بر دوست و گریختن از دشمن.

تحف العقول : ۲۲۵.

حدیث۱۳۳

امام حسن علیه السلام :

ـ لَمّا سَألَهُ أبوهُ عنِ الشُّحِّ ـ : أن تَرى ما فی يَدَيكَ شَرَفا وما أنفَقتَ تَلَفا .

امام حسن علیه السلام ـ در پاسخ به پرسش پدرش از او درباره تنگ چشمی ـ : تنگ چشمی آن است که آنچه را داری مایه شرافت پنداری و آنچه را انفاق کنی ، تلف شده و بر باد رفته انگاری .

بحار الأنوار : ۷۳ / ۳۰۵ / ۲۳

حدیث۱۳۴

امام حسن علیه السلام :

إنّ الحسينَ بنَ عليٍّ عليهماالسلام ، بعدَ وفاةِ نَفْسی ومُفارَقَةِ رُوحی جِسْمی ، إمامٌ مِن بَعدی ، وعندَ اللّهِ جلّ اسمُهُ فی الكتابِ ، وِراثة مِن النّبيِّ صلى الله عليه و آله أضافَها اللّه ُ عزّ وجلّ لَه فی وِراثةِ أبيهِ واُمِّهِ ، فعَلِمَ اللّه ُ أنّكم خِيَرةُ خَلقِهِ ، فاصْطَفى مِنكُم مُحمّدا صلى الله عليه و آله ، واختارَ محمّدٌ عليّا عليه السلام ، واختارَنی عليٌّ عليه السلام بالإمامةِ ، واخْتَرْتُ أنا الحُسَينَ عليه السلام .

امام حسن علیه السلام : بعد از وفات من و جدا شدن روح از بدنم، حسین بن علی علیهماالسلام امام است. وراثت او از پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدا در کتابْ ثبت است که خداوند عز و جل این وراثت را به وراثت از پدر و مادرش افزوده است؛ زیرا خدا دانست که شما بهترین خلق او هستید. از این رو، از میان شما محمّد صلی الله علیه و آله را برگزید و محمّد، علی علیه السلام را وعلی علیه السلام مرا به امامت انتخاب کرد ومن حسین علیه السلام را برگزیدم.

الكافی : ۱ / ۳۰۱ / ۲ .

حدیث۱۳۵

امام حسن علیه السلام :

فِی المَائدةِ اثْنَتا عَشرَةَ خَصْلَةً یَجِبُ عَلی کُلِّ مُسْلِمٍ أنْ یَعْرِفَهَا : أرْبَعٌ مِنْها فَرْضٌ ، وَ أرْبَعٌ سُنَّةٌ، وأرْبَعٌ تأدِیبٌ.

فَأمَّا الفَرْضُ : فَالمَعْرِفَةُ ، وَالرِّضَا ، وَالتَّسْمِیَةُ، وَالشُّکْرُ .

وَأمَّا السُّنَّةُ : فَالوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ ، والجُلُوسُ عَلَی الجَانِبِ الأیْسَرِ ، والأکْلُ بِثَلاثِ أصَابعَ ، وَلَعْقُ الأصَابعِ.

وَأمّا التَّأدِیبُ : فَالأکْلُ مِمَّا یَلِیکَ ، وَتَصْغِیرُ اللُّقْمَةِ ، وَتَجْوِیدُ المَضْغِ ، وَقِلّةُ النّظَرِ فِی وُجُوهِ النّاسِ .

امام حسن علیه السلام : سفره دوازده رسم دارد که هر مسلمانی باید آنها را بداند: چهارتای آنها لازم ، چهار تا خوب و چهار تا ادب است. آن چهارتا که لازمند : معرفت، خشنودی، نام خدا بر زبان آوردن و شکرگزاری است. آن چهار که خوب است: دست شستن پیش از غذا خوردن، نشستن بر طرف چپ، خوردن با سه انگشت [و نه دو انگشت] و لیسیدن انگشتهاست. اما آن چهار که از باب رعایت ادب است : خوردن از [غذای]جلوی خود، کوچک گرفتن لقمه، خوب جویدن غذا و کمتر نگریستن به صورت دیگران.

وسائل الشیعة : ۱۶/۵۳۹/۱.

حدیث۱۳۶

امام حسن علیه السلام :

لا أدبَ لِمَن لا عَقْلَ لَهُ .

امام حسن علیه السلام : آن را که خرد نیست، ادب نیست.

بحار الأنوار:۷۸/۱۱۱/۶.

حدیث۱۳۷

امام حسن علیه السلام :

کانَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آلهفَخْما مُفَخَّما... یَتَکَلَّمُ بِجَوامِعِ الکَلِمِ فَصْلًا لا ـ فُضولَ فیهِ و لا ـ تَقصیرَ. دمثا، لَیْسَ بِالجافی و لا بِالْمَهینِ تَعظُمُ عِنْدَهُ النِّعْمَةُ و انْ دَقَّت لا یَذُمُّ مِنها شَیئا غَیْرَ اَنَّهُ کانَ لا یَذُمُّ ذَواقا و لا یَمدَحُهُ و لا تُغضِبُهُ الدُّنْیا و ما کانَ لَها، فَاِذا تُعوطیَ الحَقّ لَم یَعْرِفهُ اَحَدٌ، و لَم یَقُمْ لِغَضَبِهِ شَی ءٌ حَتّی یَنتَصِرَ لَهُ... ؛

رسول اکرم صلی الله علیه و آله با شکوه و بزرگوار بودند... سخنانی کوتاه، جامع و بی چون و چرا می گفتند؛ بدون کم و زیاد. نرم خو و مهربان بودند، در حق کسی ظلم نمی کردند، کسی را خوار نمی شمردند، نعمت را اگر چه کم بود، بزرگ می دانستند و چیزی از آن را نکوهش نمی کردند، از مزه غذا نه بد می گفتند و نه تعریف می کردند، دنیا و آنچه به آن مرتبط است ایشان را خشمگین نمی ساخت و هرگاه حقی ضایع می شد، احدی را ملاحظه نمی کردند و چیزی باعث رفع خشمشان نمی شد، تا آن که حق را حاکم سازند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۳ .

حدیث۱۳۸

امام حسن علیه السلام :

اِنَّ هذَا الْقُرآنَ فیهِ مَصابیحُ النّورِ، وَ شِفاءُ الصُّدورِ، فَلْیَجلُ جالٍ بِضَوْئِهِ، وَ لْیُلجِمِ الصِّفَةَ قَلْبَهُ، فَاِنَّ التَّفکیرَ حَیاةُ القَلْبِ الْبَصیرِ، کَما یَمشِی الْمُستَنیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنُّورِ؛

به راستی که در این قرآن، چراغ های روشنایی بخش و شفای قلب هاست. پس هر کس در پی جَلاـ بخشیدن است، [دیده دل خویش را] با نور آن، جلا دهد و دل خویش را با آن، تربیت کند؛ چرا که اندیشیدن [در قرآن]، مایه حیات دل شخص با بصیرت است، همچنان که آدمی در تاریکی ها، با کمک نور، راه خود را می پیماید.

کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۹۹.

حدیث۱۳۹

امام حسن علیه السلام :

زَوِّجْها مِنْ رَجُلٍ تَقیٍّ، فَاِنَّهُ اِنْ اَحَبَّها اَکْرَمَها وَ اِنْ اَبْغَضَها لَمْ یَظْلِمْها؛

دخترت را به ازدواج مردی با تقوا درآور؛ زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد، گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به او ظلم نمی کند.

مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴.

حدیث۱۴۰

امام حسن علیه السلام :

اَ نَا الضّامِنُ لِمَنْ لَمْ یَهْجُسْ فی قَلْبِهِ اِلاَّ الرِّضا اَنْ یَدْعُوَ اللّه َ فَیُسْتَجابَ لَهُ؛

کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند.

کافی، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۱.

حدیث۱۴۱

امام حسن علیه السلام :

اللّه ُ هُوَ الَّذی یَتَأَلَّهُ إلَیهِ عِنْدَ الْحَوائِجِ وَالشَّدائِدِ کُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ اِنْقِطاعِ الرَّجاءِ مِنْ کُلِّ مَنْ دُونَهُ وَتُقَطَّعُ الأسْبابَ مِنْ جَمیعِ مَنْ سِواهُ تَقُولُ بِسْمِ اللّه ِ أیْ أَسْتَعینُ عَلی أُمُوری کُلِّها بِاللّه ِ الَّذی لا تُحِقُّ الْعِبادَةُ إلّاَ لَهُ، المُغیثُ إذا اسْتُغیثَ وَالُمجیبُ إذا دُعِی .

امام مجتبی علیه السلام با تفسیر «بسمله» راه فطرت (که یکی از قوی ترین برهانهای خداشناسی است) را بیان می کند، آن حضرت فرمود:

«خداوند متعال وجودی است که همه موجودات در نیازمندی و سختیها به او پناه می برند، به ویژه هنگامی که امید از غیر او قطع گردد و همه وسائط و اسباب را ناچیز ببیند. [یعنی فطرت خداشناسی، انسان را در تنگناها به سوی واجب الوجود هدایت می کند]این که می گویی: «بسم اللّه ..»؛ یعنی یاری و کمک می خواهم در همه کارهایم از خداوندی که عبادت (خضوع و کرنش) برای غیرش سزاوار نیست، او فریادرسی است که به هنگام دادخواهی دستگیری می نماید، و اگر کسی بخواندش پاسخ می گوید.»

بحارالانوار، ج۳، ص۴۱، ح۱۶ به نقل از تفسیرامام حسن عسکری علیه السلام

حدیث۱۴۲

امام حسن علیه السلام :

رَحِمَ اللّه ُ أَبـاذَر، أَمّـا أَنـا أَقُولُ: مَنِ اتَّکَـلَ عَلی حُسْنِ اِخْتِیارِاللّه ِ لَمْ یَتَمَنَّ أَنَّهُ فِی غَیْرِ الْحالَـةِ الَّتِی اخْتارَاللّه ُ لَهُ، وَهـذا حَـدُّ الْوُقُوفِ عَلی الرِّضا بِما تَصَرَّفَ بِهِ الْقَضاءُ.

به امام مجتبی علیه السـلام گفته شـد، که اباذر ـ ره ـ می گفت: «فقر و تنگدستی را از بی نیازی، و بیماری را از تندرستی و سـلامتی بیشتر دوست دارم». حضرت فرمود:

خداونـد ابـوذر را رحمـت کنـد امّـا من می گـویم: آن کس که بر حسن اختیـار خداونـد اعتمـاد کنـد، چیزی را نمی طلبـد که جز خـداوند برایش انتـخاب کرده باشـد. و این است معنـای خشنودی در برابر حکم خداوند ـ سبحان ـ

ـ تاریخ الخلفاء، ص۱۹۱؛ تهذیب، ابن عساکر، ج۴، ص۲۱۷ بیانگر مضمون فوق است.

حدیث۱۴۳

امام حسن علیه السلام :

إنَّ هَذَا القُرآنَ فِیهِ مَصابِیحُ النُّورِ، وَشِفاءُ الصُّدُورِ،

فَلْیَجُلْ جالٌ بَصَرَهُ وَ یَفْتَحُ لِلْضِّیاءِ نَظَرَهُ،

فَإنَّ التَّفْکِیرَ حَیاةُ القَلْبِ البَصِیرِ،

کَما یَمْشِی المُسْتَنِیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنُّورِ.

امام حسن مجتبی علیه السلام در توصیف و شرح حال قرآن مجید فرمود:

«در این قرآن است چراغهای درخشـنده هـدایت و شـفای دلها و قلب ها، پس باید دلها را با فروغ تابناکش روشن ساخت و با گوش فرادادن به فرامینش، قلب را که مرکز فرماندهی بدن است، در اختیارش گذاشت؛ زیرا به وسیله اندیشیدن، قلب، زندگیِ روشن خود را می یابد، همان طوری که رهروان در پرتو نور از تاریکیها گذر می کنند و می رهند.»

کشـف الغمه، ابو الفتـح اربلی، ج۲، ص۱۹۹؛ بحارالانوار، ج۷۵، ص۱۱۲، ح۶؛ اصول کـافی، شـیخ کلینی، ج۲، ص۶۰۰، ح۵، باب فضل القرآن: روایت فوق را مرحوم کلینی با اختلاف مختصری از امام صادق ـ ع ـ نقل کرده است.

حدیث۱۴۴

امام حسن علیه السلام :

«ما بَقِیَ فِی الدُّنْیا بَقِیَّةٌ غَیْرَ هَذَا القُرآنِ

فَاتَّخِذُوهُ إماما یَدُلُّکُمْ عَلَی هُداکُمْ،

وَإنَّ أَحَقَ النّاسِ بِالقُرآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإنْ لَمْ یَحْفَظْهُ

وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ یَعْمَلْ بِهِ وَإنْ کانَ یَقْرَأُهُ.»

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«تنهـا چیزی که در این دنیـای فـانی، باقی می مانـد قرآن است، پس قرآن را پیشوا و امام خود قرار دهیـد، تا به راه راست و مسـتقیم هدایت شوید.

همانا نزدیک ترین مردم به قرآن کسانی هستند که بدان عمل کند، گرچه به ظاهر (آیات) آن را حفظ نکرده باشند و دورترین افراد از قرآن کسانی هستند که به دستورات آن عمل نکنند گرچه قاری و خواننده آن باشند.»

ارشاد القلوب، دیلمی، ص۱۰۲

حدیث۱۴۵

امام حسن علیه السلام :

«إنَّ هذا القُرآنَ یَجِیُٔ یَوْمَ القِیمَۀِ قائِدا وسائِقا

یَقُـودُ قَوْما إلَی الجَنَّۀِ

أَحَلُّوا حَلالَهُ وَحَرَّمُوا حَرامَهُ وآمَنُوا بِمُتَشابِهِهِ

ویَسُـوقُ قَوْما إلَی النّارِ

ضَیَّعُوا حُدُودَهُ وأَحْکامَهُ وَاسْتَحَلُّوا حَرامَهُ.»

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«قرآن در صحنه قیامت به صورت رهبر و امام ظهور یافته، مردم را به دو دسته تقسیم می کند:

۱ ـ کسانی که به قرآن عمل نموده، حلال و حرام آن را همانگونه که هست بجا آورده اند و متشابه آن را با قلب پذیرا شده اند، قرآن اینان را به سوی بهشت جاویدان هدایت می نماید.

۲ ـ آنان که حدود و قوانینش را ضایع نمودند و محرّماتش را حلال شمرده و به آن تعدّی کردند، قرآن آنها را به سوی آتش (جهنّم) روانه می سازد.»

ارشاد القلوب، دیلمی، ص۱۰۳، مرکز نشر کتاب.

حدیث۱۴۶

امام حسن علیه السلام :

«أَیُّهَا النّاسُ اِعْقِلُوا عَنْ رَبِّکُمْ، إنَّ اللّه َ عَزَّوَجَلَّ اصْطَفی آدَمَ وَنُوحا وآلَ إبراهیمَ وآلَ عِمْرانَ عَلَی العالَمینَ، ذُرِّیَۀً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَاللّه ُ سَمیعٌ عَلیمٌ، فَنَحْنُ الذُرِّیَۀُ مِنْ آدَمَ وَالأُسْرَۀُ مِنْ نُوحٍ، وَالصَّفْوَۀُ مِنْ إبراهیمَ، وَالسُّلالَۀُ مِنْ إسماعیلَ وآلُ مُحَمَّدٍ نحْنُ، فیکُمْ کَالسَماءِ المَرْفُوعَۀِ وَالأَرْضِ المَدْحُوَّۀِ وَالشَّمْسِ الضاحِیَۀِ وَکَالشَّجَرَۀِ الزَّیْتُونَۀِ، لاـ شَرْقِیَّۀٌ وَلا غَربیَّۀٌ الَّتی زَیْتُها النَبیٌّ صلی الله علیه و آله وَعَلِیٌّ فَرْعُها، وَنَحْنُ وَاللّه ِ ثَمَرَۀُ تِلْکَ الشَّجَرَۀِ، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجی وَمَنْ تَخَلّفَ عَنْها فَإلَی النّارِ هَوی.»

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«ای مردم علم و معرفت را از پروردگار خود بیاموزید. همانا خداوند بزرگ آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را برای جهانیان، به پیامبری برگزید، آنان دودمانی بودند که (پاکی، تقوا و فضیلت را) بعضی از بعض دیگر گرفته بودند. خداوند (به کوششهای آنان در راه رسالت) شنوا و داناست.

مردم! ما ـ اهل بیت ـ از فرزندان آدم و دودمان نوح و فرزندان برگزیده ابراهیم و تبار اسماعیلیم، ما آل محمد، در میان شما همانند آسمان بلند و همچون زمین گسترده و مثل خورشید پر فروغیم. همانند درخت زیتونیم که نه به شرق مایل است و نه به غرب. درختی که ریشه اش رسول خدا صلی الله علیه و آلهاست و شاخه اش علی بن ابی طالب علیه السلام. سوگند به خدا ما (اهل بیت) میوه آن درختیم، پس هر کس به یکی از شاخه های آن چنگ زند نجات می یابد (و سعادتمند است) و هر کس از آن جدا شود

جایگاهش آتش است.»

الروائع المختارهٔ، سید مصطفی موسوی، ص۷۲، خطبه ۴۵؛ به نقل از جلاء العیون، سید عبد اللّه شبّر.

حدیث۱۴۷

امام حسن علیه السلام :

مَکارِمُ الأَخْلاقِ عَشَرَةٌ:

صِدْقُ اللِّسانِ وَ صِدْقُ الیَأْسِ

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

مکارم اخلاق ده چیز است:

۱. راستگوئی

۲. نومیدی راستین از غیر خدا

۳. بخشش به نیازمندان

۴. خوش خلقی

۵. پاداش در برابر خدمات دیگران

۶. پیوند و رفت و آمد با خویشاوندان

۷. حمایت از همسایه

۸. توجّه به حقوق دوستان

۹. مهمان نوازی

۱۰. و مهمترین اینها شرم و حیاء است.

ـ در بعضی نسخه ها «صدق البأس» آمده است بأس دارای دو معنی است: ۱ ـ شجاعت ۲ ـ فقر و تنگدستی.

حدیث۱۴۸

امام حسن علیه السلام :

«أَمّا بَعْدُ فَإِنَّ عَلِیّا بابٌ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِنا

وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ کانَ کافِرا، أَقُولُ قَوْلِی هَذا،

وَأَسْتَغْفِرُ اللّه َ لِی وَلَکُمْ.»

امام مجتبی علیه السلام در حضور پدر گرامی اش خطبه ای خواند که در بخشی از آن فرمود:

«همانا علی بن ابی طالب علیه السلام دربی است که هرکس بر آن وارد شود؛ یعنی او را بشناسد و بر او اقتدا کند، آرامش و امنیت کامل را درمی یابد و هرکس به آن درب روی نیاورد و مخالفت با او کند کفر و بدبختی و تیره روزی او را فرا خواهد گرفت، سپس فرمود: این گفته و مطلب اساسی من است،

آنگاه برای خود و دیگران طلب رحمت و آمرزش نموده و گفت: استغفر اللّه لی ولکم و آنگاه از منبر فرود آمد.»

الروائع المختارهٔ، ص۷؛ تفسیر فرات کوفی، ح۵۴، ص۷۹؛ بحارالانوار، ج۴۳، ص ۳۵۱

حدیث۱۴۹

امام حسن علیه السلام :

«وَاللّه لا يُحِبُّنا عَبْدٌ أَبَدا وَلَوْ كانَ أَسيرا فِى الدَّيْلَمِ

إلاّ نَفَعَهُ حُبُّنا

وَإنَّ حُبَّنا لَيُساقِطُ الذُّنُوبَ مِنْ بَنِيآدَمَ

كَما يُساقِطُ الريحُ الوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ.»

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«سوگند به خداوند که کسی دوست نمی دارد ما را ـ گر چه در دورترین نقاط؛ همچون دیلم اسیر باشد ـ مگر این که دوستی ما به حال او مفید خواهد بود، همانا ولایت و محبت ما ـ اهل بیت ـ گناهان فرزندان آدم را از بین می برد همان طوری که باد، برگ درختان را از شاخه و تنه او جدا می کند و به زمین می ریزد.»

بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۵

حدیث۱۵۰

امام حسن علیه السلام :

النّاسُ فِى دارِ سَهْوٍ وَ غَفْلَةٍ يَعْمَلُونَ وَلا يَعْلَمُونَ

فَإذا صارُوا إلَى الآخِرَةِ صارُوا اِلى دارِ يَقينٍ

يَعْلَمُونَ وَ لا يَعْمَلُونَ.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

مردم] در این دنیا] در خانه بی خبری و غفلت بسر می برند، پس هر کاری را انجام می دهند، نمی دانند [ثمرش را] و چون به خانه آخرت روند، به وادی یقین در آیند و همه چیز را بدانند و لکن نتوانند عمل سودمندی را در آنجا برای خویش انجام دهند.

سیدعبدالله شبّر، مصابیح الانوار، ج ۲، ص ۲۷۱.

حدیث۱۵۱

امام حسن علیه السلام :

«إنَّما هذَا الأمْرُ لِى وَالخِلافَةُ لِى وَلِأهْلِ بَيْتِى،

وَإنَّها لَمُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ وَعَلى أَهْلِ بَيْتِكَ

سِمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللّه صلى الله عليه و آله .

وَاللّه لَوْ وَجَدْتُ صابِرينَ عارِفينَ بِحَقّى

غَيْرَمُنْكِرينَ ما سَلَّمْتُ لَكَ وَلا أَعْطَيْتُكَ ما تُريدُ.»

امام مجتبی علیه السلام در پاسخ به نامه ای که معاویه برای آن حضرت فرستاده بود، چنین جواب دادند:

«همانا این امر (حکومت) و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله

از آنِ من و مربوط به اهل بیت من است

و بر تو و خاندانت حرام است.

این مطلب را از رسول خدا صلی الله علیه و آلهشنیده ام.

سپس فرمود:

سوگند به خداوند، چنانچه یارانی آگاه و آشنا به حقم، می یافتم (که در راه احیای حق ایستادگی می نمودند) حکومت را به تو واگذار نمی کردم و آنچه را که تو می خواستی، به تو نمی دادم».

بحارالانوار، ج۴۴، ص۴۵.

حدیث۱۵۲

امام حسن علیه السلام :

«وَاللّه لَقَدْ عَهِدَ إلَیْنا رَسُولُ اللّه

یَمْلِکُهُ إثناعَشَرَ إماما مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ وَفاطِمَةَ،

ما مِنّا إلاّ مَسْمُومٌ أوْ مَقْتُولٌ.»

جناده گوید: در روزهای واپسین عمر امام مجتبی علیه السلامخدمت آن حضرت رسیدم، آن حضرت به من نگاهی کرد و فرمود:

«سوگند به خداوند که رسول خدابما وعده نمود: امامت و وصایت بعد از او را دوازده نفر بدست می گیرند، یازده نفر آنان از فرزندان علی وفاطمه علیهماالسلام هستند.

سپس حضرت فرمود: ما جانشینان او در فرجام کار، در راه خدا یا مسموم می گردیم و یا کشته می شویم.»

بحارالانوار، ج۴۴، ص۱۳۹؛ جلاءالعیون، شبّر، ج۱، ص ۳۷۰.

حدیث۱۵۳

امام حسن علیه السلام :

«یا عَبْدَ اللّه إنْ کُنْتَ لَنا فِی أَوامِرِنا وَزَواجِرِنا مُطیعا فَقَدْ صَدَقْتَ، وَإنْ کُنْتَ بِخِلافِ ذلِکَ فَلا تَزِدْ فِی ذُنُوبِکَ بِدَعْواکَ مَرْتَبَةً شَریفَةً لَسْتَ مِنْ أَهْلِها، لا تَقُلْ أَنَا مِنْ شیعَتِکُمْ ولکِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مُوالِیکُمْ وَمُحِبِّیکُمْ وَمُعادِی أَعْدائِکُمْ وَأَنتَ فِی خَیْرٍ وَإلی خَیْرٍ.»

مردی رو به امام حسن علیه السلام کرد و سپس گفت: «ای پسر رسول خدا من شیعه شما هستم.» امام علیه السلام فرمود:

«ای بنده خدا، اگر در انجام واجبات و خودداری از محرمات (گناهان) پیرو ما هستی و تبعیت می کنی که راست می گویی، و چنانچه اینگونه نیستی، با این ادّعای دروغ بر گناهان خود افزودی؛ زیرا شیعه و پیرو ما از مقام والا و بلندی برخوردار است و تو اهل آن نیستی، مگو که من شیعه تو هستم، بلکه بگو من از دوستان و هواداران و نیز از بدخواهان دشمنان شمایم، در این صورت تو در خیر و نیکی بسر می بری و در مسیر خیر خواهی قرار داری.»

مجموعه ورام، ص۱۱۳، چاپ تهران، مؤسسه حیدری.

حدیث۱۵۴

امام حسن علیه السلام :

«قال علیه السلام : إیّاکَ أنْ تَمْدَحنی فَأَنا أَعْلَمُ بِنَفْسی مِنْکَ أَوْ تُکَذِّبَنی فَإنَّهُ لا رَأْیَ لِمَکْذُوبٍ أَوْ تَغْتابَ عِنْدِی أَحِدا، فَقالَ لَهُ

الرَجُلُ: إئذِنْ لِی فِی الإنْصِرافِ.

فَقالَ علیه السلام : نَعَمْ إذا شِئْتَ.»

مردی از امام حسن علیه السلام خواست که دوست و همنشین وی باشد، امام علیه السلام سه شرط را برایش مطرح نمود: «فرمـود:

۱ ـ اوّل آن که از من ستایش و تعریف نکنی؛ زیرا من نسبت به خودم از تو آگاه ترم.

۲ ـ مرا دروغگو ندانی؛ زیرا دروغگو رأی و عقیده درستی ندارد.

۳ ـ مبادا در برابر من از کسی غیبت کنی.

چون آن مرد شرایط دوستی با آن حضرت را دشوار دید گفت:

تحف العقول عن آل الرسول، ص۲۳۶، باب حکمه علیه السلام و مواعظه.

حدیث۱۵۵

امام حسن علیه السلام :

فقال علیه السلام: هِیَ أنْ تَرْعی حُقُوقَ اللّه ، حُقُوقَ الأحْیاءِ، وَحُقُوقَ الأمواتِ. فَأمّا حُقُوقُ اللّه فَأداءُ ما طُلِبَ وَاجْتِنابُ عَمّا نُهِیَ.

وَأمّیا حُقُوقُ الأحْیـاءِ: فَهِیَ أنْ تَقُومَ بِواجِبِـکَ نَحْوَ إخْوانِـکَ، وَلا ـ تَتَأخَّرَ عَنْ خِدْمَـةِ أُمَّتِکَ وَأَنْ تُخَلِّصَ لِوَلِیِّ الأمْرِ ما أَخْلَصَ لِأُمَّتِهِ وأنْ تَرْفَعَ عَقِیرَتَکَ فِی وَجْهِهِ إذا ما حادَ عَنِ الطَّرِیقِ السَوِیّ.

وأمّا حُقُوقُ الأمواتِ: فَهِیَ أنْ تُذْکَرَ خَیْراتِهِمْ وَتَتَغاضی عَنْ مَساوِئِهِمْ فَإنَّ لَهُمْ رَبّا یُحاسِبُهُمْ.

مردی از امام مجتبی علیه السلام پرسید: سیاست چیست؟فـرمـود:

«سیاست، رعایت حقوق خدا، و حقوق زندگان از مردم و حقوق اموات آنان است.

اما حق خداوند: انجام دادن فرایض (واجبات) و دوری کردن از آنچه ما را نهی کرده است (محرّمات).

اما حقوق زندگان: این که وظیفه خود را نسبت به مردم انجام دهی و هرگز از خدمت

الروائع المختارهٔ، سید مصطفی موسوی، ص۱۱۸؛ مجموعه ورام، ص۳۰۱.

حدیث۱۵۶

امام حسن علیه السلام :

«لَوْ جَعَلْتُ الدُنْیا کُلَّها لُقْمَةً واحِدَةً لَقَمْتُها

مَنْ یَعْبُدُ اللّه َ خالِصا لَرَأَیْتُ أَنّی مُقَصِّرٌ فِی حَقِّهِ،

وَلَوْ مَنَعْتُ الکافِرَ مِنْها حَتّی یَمُوتَ جُوعا وَعَطَشا

ثُمَّ أَذَقْتُهُ شَرْبَةً مِنَ الماءِ لَرَأَیْتُ أَنّی قَدْ أَسْرَفْتُ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«اگر همه دنیـا را تبـدیل به یـک لقمه غـذا کنم و به انسانی که خـدا را از روی خلوص عبادت می کنـد بخورانم، درباره او کوتاهی کرده و خودم را مقصّر می دانم و چنانچه فرد کافری را گرسنگی دهم تا به آن اندازه که جانش از شدّت گرسنگی و تشنگی به لب برسد، آنگاه مقداری کمی آب به او بدهم، خود را نسبت به او اسراف کار می پندارم.»

مجموعه ورام، ص ۳۵۰.

حدیث۱۵۷

امام حسن علیه السلام :

یا بُنَیَّ لا تُؤاخِ أَحَدا حَتّی تَعْرِفَ مَوارِدَهُ وَمَصادِرَهُ

فَإذا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَرَضِیتَ العِشْرَةَ

فَآخِهِ عَلی إقالَةِ العَثْرَةِ وَالمُواساةِ فِی العُسْرَةِ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«پسرم با هیچ کس پیمان دوستی مبند مگر این که بدانی از کجا می آید و به کجا می رود؛ یعنی خصوصیات اخلاقی و خانوادگی اش را بدست آور، و چون دقیق بررسی کردی و او را انسانی شایسته یافتی، بر پایه گذشت و اغماض و برادری در سختیها و لغزشها با او رفتار کن و دوستی ات را استمرار بخش.»

تحف العقول عن آل الرسول، ص۲۳۳، باب حکمه علیه السلامومواعظه.

حدیث۱۵۸

امام حسن علیه السلام :

«أَعْرَفُ الناسِ بِحُقُوقِ إخوانِهِ وَأَشَدُّهُمْ قَضاءا لَها أَعْظَمُهُمْ عِنْدَاللّه ِ شَأْنا وَمَنْ تَواضَعَ فِی الدُّنْیا لاِءخْوانِهِ فَهُوَ عِنْدَاللّه ِ مِنَ الصِّدِیقینَ وَ مِنْ شیعَةِ عَلِیِّ بْنِ أَبیطالِبٍ علیه السلام »

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«والاترین مقام در نزد خداوند از آن کسی است که آشنا به حقوق مردم باشد وسعی در ادای آن نمایند، وکسی که در برابر برادران دینی اش تواضع داشته باشد، خداوند او را از راستگویان وشیعیان علی بن ابیطالب علیه السلاممحسوب خواهد کرد.»

حیاهٔ الامام الحسن بن علی علیهماالسلام، ج۱، ص۳۱۹؛ مجموعه ورام، ص۳۱۲، چاپ تهران، مؤسسه حیدری.

حدیث۱۵۹

امام حسن علیه السلام :

اَلْمَعْرُوفُ مالَمْ یَتَقَدَّمَّهُ مَطَلٌ وَلا یَتْبَعُهُ مَنٌّ

وَ الإعْطاءُ قَبْلَ السُؤالِ مِنْ أَکْبَرِ السُؤدَدْ.

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

کار نیک آن است که قبل از انجامش هیچگونه سستی و مسامحه ای انجام نگیرد و بعد از پایان کار هیچ منّتی همراه نداشته باشد]

بعد فرمود: [بخشندگی قبل از سؤال کردن نشانه بزرگواری است.

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲، ب ۱۹، ح ۷.

حدیث۱۶۰

امام حسن علیه السلام :

إِنَّ اللّه َ تَعالَی یُباهی مَلائِکَتَهُ بِعِبادِهِ یَوْم عَرَفَهْ فَیَقُولُ:

عِبادی جاؤُنِی شُعْثا یَتَعَرَّضُونَ لِرَحْمَتِی فَأَشْهِدُکُمْ أَنِّی قَدْ غَفَرَتُ لُِمحْسِنِهِمْ وَ شَفَّعْتُ مُحْسِنَهُمْ فِیمُسِیئِهِمْ وَإِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِْ فَمِثْلُ ذلِکَ.

امام حسن علیه السلام فرمود:

همانا خداوند مباهات و افتخار به بندگانِ خود در سرزمین عرفات می کند و به فرشتگان خود می گوید:

بندگانِ من بر روی خاکها نشسته اند و طلب رحمت می کنند گواه باشید که من نیکوکاران آنها را بخشیدم و آنان را شافع و واسطه در بخشش گناهکاران آنها قرار دادم و به هنگام قیامت نیز آنان شفاعت می کنند.

تاریخ ابن عساکر، ج ۱۲، ص ۵۲۹.

حدیث۱۶۱

امام حسن علیه السلام :

«إتَّقُوااللّه َ عِبادَاللّه ِ وَجِدُّوا فِی الطَّلَبِ وَتِجاهَ الهَرَبِ

وَ بادِرُوا العَمَلَ قَبْلَ مُقَطِّعاتِ النَّقِماتِ وَهادِمِ اللَّذّاتِ،

فَإنَّ الدُنْیا لا یَدُومُ نَعیمُها وَلا تُؤْمَنُ فَجیعُها

وَلا تُتَوَقّی مَساوِیها، غُرُورٌ حائِلٌ و سِنادٌ مائِلٌ.»

بخشی از سخنان امام علیه السلام درباره پرهیزکاری:

«ای بندگان خدا، از نافرمانی در برابرش بپرهیزید. و برای تحقّق خواسته های خویش کوشش نمایید و از کارهای ناروا بگریزید قبل از اینکه سختیها به شما رو آورد و به آغوش مرگ بیفتید به کارهای نیک مبادرت ورزید. همانا نعمتهای دنیا زودگذر و ناپایدار است و کسی از خطرها در امان نیست و مصون از بدبختیها نخواهد بود، دنیا فریب گر مانعِ خوشبختی است و تکیه گاهی سست و بی اساس است.»

تحف العقول عن آل الرسول، ص۲۳۶

حدیث۱۶۲

امام حسن علیه السلام :

قال علیه السلام : «إنَّ اللّه َ جَمیلٌ یُحِبُّ الجَمالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبّی وَقَرَأَ الآیهْ:

یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ.»

امام حسن مجتبی علیه السلام هرگاه می خواست نماز بپا دارد، بهترین لباسهای خویش را می پوشید، بعضی از آن حضرت سبب آن را پرسیدند.

«همانا خداوند زیبا است (منبع و مجمع همه زیباییها است) و زیبایی را دوست دارد و چنانچه من در وقت اقامه نماز لباس زیبا به تن می کنم فقط به خاطر پروردگار و خالقم می باشد. در آن هنگام آیه شریف ذیل را خواند:

ای انسانها به هنگام عبادت خداوند، لباسهای زیبا و زینتی خود (بهترین لباسهایتان) را بپوشید.

ـ اعراف : ۳۱

حدیث۱۶۳

امام حسن علیه السلام :

«رَبِّ اهْدِنی فیمَنْ هَدَیْتَ وَعافِنی فیمَنْ عافَیْتَ

وَتَوَلَّنی فیمَنْ تَوَلَّیْتَ وَبارِكْ لی فیما أَعْطَیْتَ

وَقِنی شَرَّ ما قَضَیْتَ إِنَّکَ تَقْضی وَلا یُقْضی عَلَیْکَ

إِنَّهُ لا یَذِلُّ مَنْ والَیْتَ تَبارَکَ رَبَّنا وَتَعالَیْتَ.»

ابی الجوزاء می گوید: خدمت امام مجتبی علیه السلام بودم که در دعا، دست چنین می فرمود:

«پروردگارا؛ مرا به راه کسانی هدایت کن که خود، آنها را هدایت فرمودی، و سلامتی را آن گونه عنایت کن که به آنها عنایت کردی و دوست بدار مرا همانطوری که آنها را دوست داشتی و برکت ده در آنچه بر من ارزانی داشتی و نگهدار مرا از شرّ و بدی آنچه حکم کردی ـ] در سایه اعمال زشت، بعضی از شرور به صورت طبیعی سراغ انسان می آید که عکس العمل افعال و کردار شخص است] ـ همانا تو حاکم بر همه اشیائی و هیچ چیز بر تو غالب نخواهد بود، پروردگارا خوار و ذلیل نمی شود کسی را که تو دوست بداری، پاك و منزه و بلند مرتبه است پروردگار ما.»

ـ الامام المجتبی ابومحمد الحسن بن علی ـ علیهماالسلام ـ، حسن المصطفوی، ص ۲۵۰؛ به نقل از تهذیب ابن عساکر، ج۴، ص۱۹۹.

حدیث۱۶۴

امام حسن علیه السلام :

«اِلهی ضَیْفُکَ بِبابِکَ یا مُحْسِنُ قَدْ أَتاکَ الْمُسِیء،

فَتَجاوَزْ عَنْ قَبیحِ ما عِنْدی

بَجَمیلِ ما عِنْدَکَ یاکَریمُ.»

امام مجتبی علیه السلام به هنگام ورود به مسجد، سر را به طرف آسمان بلند می کرد و می فرمود:

«پروردگارا مهمان تو، جلو در خانه ات ایستاده است. ای نیکوکار، بنده تباه کار و بدرفتار به درگاهت شتافته، از زشتیهایی که مرتکب شده به خاطر زیباییهایی که در نزد تواست، درگذر وببخش، ای بخشنده کریم.»

بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۳۹؛ جلاءالعیون، ج ۱، ص ۳۲۱.

حدیث۱۶۵

امام حسن علیه السلام :

«مَنْ أدامَ الاِخْتِلافَ إلَی المَسْجِدِ أَصابَ إحدی ثَمانٍ: آیَةً مُحْکَمةً، وَأَخا مُسْتَفادا وَعِلْما مُسْتَطْرِفا، وَرَحْمَةً مُنْتَظِرَةً وَکَلِمَةً تَدُلُّ عَلَی الهُدی، أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدی وَتَرکَ الذُّنُوبِ حُبّا أَوْ خَشْیَةً.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«کسی که به مسجد رفت و آمد (تردّد) داشته باشد، بر یکی ـ یا بیشتر ـ از نعمتهای هشتگانه دسترسی پیدا خواهد نمود:

۱ ـ استدلالهای استوار و محکم در امور دینی خود (اعتقادی، فقهی، سیاسی و...)؛

۲ ـ دستیابی به دوستان سودمندی که تردّد با آنها مایه بهره وری است؛

۳ ـ معلومات و دانش تازه و شگفت انگیز؛

۴ ـ رحمت و نعمتی که چشم به راه اوست؛

۵ـ دستیابی به سخنان هدایت کننده ای که شخص را به راه راست رهبری می کند؛

۶ـ دستیابی به مطالبی که انسان را از پستیها و ضد ارزشها دور می دارد؛

۷ـ دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که ترک گناه را دوست می دارد؛

۸ـ دوری از گناه و محرمات یا بدان جهت که می ترسد گرفتار عقوبت الهی شود یا آبرو و حیثیت خود را با انجام گناه از بین ببرد.»

ـ الروائع المختارة، ص۱۱۱؛ به نقل از: عیون الأخبار، ابن قتیبه، ج۳، ص۳؛ در بعضی نسخه ها «أو تردعه عن ردی» می باشد.

حدیث۱۶۶

امام حسن علیه السلام :

«إنّما أَبْكِي لِخَصْلَتَيْنِ:

لِهَوْلِ المُطْلَعِ، و فَراقِ الأَحِبَّةِ.»

گاهی امام علیه السلام را محزون و اندوهگین می دیدند، بطوری که اشکهای چشم امام علیه السلام بر روی صورتش جاری بود، از آن حضرت می پرسیدند: چرا شما محزونید و گریه می کنید؟! و حال آن که شما وارث پیامبر و وصی او هستید، فرمود:

«گریه من برای دو چیز است:

۱ ـ وحشت از ورود به صحنه قیامت

۲ ـ جدایی از دوستان و عزیزانی که انسان بدانها وابسته و علاقه مند است.»

بحارالانوار، ج۴۴، ص۱۵۰؛ الوافی، فیض کاشانی، ج۲، ص۱۷۴.

حدیث۱۶۷

امام حسن علیه السلام :

«إنَّ اللّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضانَ مِضْمارا لِخَلْقِهِ فَيَسْتَبِقُونَ فيهِ بِطاعَتِهِ إلى مَرْضاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفازُوا وَقَصَّرَ آخَرُونَ فَخابُوا، فَالْعَجَبَ كُلَّ العَجَبِ مِنْ ضاحِكٍ لاعِبٍ فِي اليَوْمِ الَّذى يُثابُ فيهِ الُمحسِنُونَ وَيَخْسَرُ فيهِ المُبْطِلُونَ، وَأيْمُ اللّه لَوْ كُشِفَ الغِطاءُ لَعَلِمُوا أَنَّ الُمحسِنَ مَشْغُولٌ بِإحْسانِهِ وَالمُسىءَ مَشْغُولٌ بِإساءَتِهِ،»

ثُمَّ مَضى.

«روز عید فطری بود، امام مجتبی علیه السلام به جمعی که مشغول به بازی و خنده بودند برخورد، بالای سر آنان ایستاد و فرمود: خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه و بهره برداری برای مخلوق خویش قرار داده که با اطاعت و بندگی بر یکدیگر پیشی و سبقت گیرند و خشنودی خدای را به دست آورند، گروهی سبقت جستند و مسابقه را بردند و گروهی دیگر عقب ماندند و متضرر شدند. شگفت و تعجب از آنانی است که در روز پاداش گرفتن نیکوکاران و زیان دیدن بی هدفان، به خنده و لهو و لعب پرداخته اند. به خدا قسم اگر حجابها برکنار شود، خواهید دید نیک رفتار به نیکی خویش مشغول است و بدکردار به رفتار بدش گرفتار؛ یعنی قیامت را به چشم خویش می بیند و نتایج رمضان را مشاهده می کند.

سپس آنها را به حال خویش وا گذاشت و رفت.»

تحف العقول عن آل الرسول، ص۲۳۶.

حدیث۱۶۸

امام حسن علیه السلام :

«اِفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْیاءٍ وَاذْنِبْ ما شِئْتَ، لا تَأْكُلْ رِزْقَ اللّه وَاذْنِبْ ما شِئْتَ، وَاطْلُبْ مَوْضِعا لا یَراكَ اللّه ُ وَاذْنِبْ ما شِئْتَ، وَاْخْرُجْ مِنْ وِلایَةِ اللّه وَاذْنِبْ ما شِئْتَ، وَإذا جاءَ مَلَكُ المَوْتِ لِیَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَاذْنِبْ ما شِئْتَ، وَإذا أَدْخَلَكَ مالِكُ النّارِ فَلا تَدْخُلْ فِی النّارِ وَاذْنِبْ ما شِئْتَ.»

مردی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید، عرض کرد: من بنده ای گنهکارم و برانجام معصیت عادت نموده ام نمی توانم گناه نکنم. ای فرزند پیامبر خدا، مرا پند و اندرز ده و موعظه کن. حضرت فرمود:

«چنانچه نمی توانی ترک گناه کنی، پنج کار را انجام بده و هر چه می خواهی گناه کن:

۱ ـ روزی خدای را نخور.

۲ ـ گناه را در جایی انجام ده که خداوند تو را نبیند.

۳ ـ از سرزمین خدا خارج شو، (و برو به جایی که در زیر سلطه و قدرت خداوند نباشد!).

۴ ـ آنگاه که فرشته مرگ (عزرائیل) خواست جانت را بگیرد او را از خود دور کن.

۵ ـ هنگامی که مالک دوزخ خواست تو را داخل آتش کند، پس با قدرت ایستادگی کن و داخل نشو.

این پنج عمل را انجام بده، بعد هر چه خواستی گناه کن.»

اثنی عشریهٔ، محمد بن قاسم حسینی، ص۱۲.

حدیث۱۶۹

امام حسن علیه السلام :

هَلاكُ النّاسِ فی ثَلاثٍ: اَلْكِبْرُ وَالحِرْصُ وَالْحَسَدُ،

فَالكِبْرُ هَلاكُ الدّینِ وَ بِهِ لُعِنَ إبْلیسُ

وَ الحِرْصُ عَدُوُّ النَفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الجَنَّةِ

وَ الحَسَدُ رائِدُ السُوءِ وَ مِنْهُ قَتَلَ قابیلُ هابیلَ.»

در مورد آثار شوم بعضی از رذائل اخلاقی، امام مجتبی علیه السلامفرمودند:

«سه چیز مردم را به هلاکت می رساند: تکبر، حرص و آز، حسد. پس خودبینی و تکبر، دین انسان را از بین می برد، همانطوری که شیطان تکبر کرد و دینش نابود شد و منفور گردید. حرص و آز دشمن شخصیت هر فرد است همانطور که آدم ابوالبشر (بواسطه حرصی که در وی به وجود آمد) از بهشت رانده شد. حسد (آرزوی زوال نعمت از دیگران) راهبر بدبختیها و تیره روزیها است، بواسطه حسد قابیل هابیل را کشت.»

الروائع المختارهٔ، سید مصطفی موسوی، ص۱۱۶

حدیث۱۷۰

امام حسن علیه السلام :

«البُخْلُ جامِعٌ لِلْمَساوی وَالعُیُوبِ

وَ قاطِعٌ لِلْمَوَدّاتِ مِنَ القُلُوبِ.»...فَقالَ علیه السلام : «هُوَ أنْ یَرَی الرَجُلُ ما أَنْفَقَهُ تَلَفا وَأَمْسَکَهُ شَرَفا.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«بخل سرآمد همه بدیها و زشتیها است،

که محبت و دوستی را از دلها می زداید.»

مردی پرسید بخل چیست؟

« در جواب آن مرد فرمود: بخل آن است که انسان هرآنچه را

حیاه الامام الحسن، باقر شریف قرشی، ج ۱، ص۳۱۹.

حدیث۱۷۱

امام حسن علیه السلام :

«فِی المائِدَةِ اثْنَتَی عَشَرَ خِصْلَةً یَجِبُ عَلی کُلِ مُسْلِمٍ أنْ یَعْرِفَها، أَرْبَعٌ فیها فَرْضٌ، وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَأَرْبَعٌ تَأْدیبٌ:

الفَرْضُ: المَعْرِفَةُ، الرِّضا، التَّسْمِیَةُ، الشُّکْرُ.

اَلسُّنَّةُ: الوُضُوءُ قَبْلَ الطَعامِ، الجُلُوسُ عَلی_'feالجانِبِ الأیْسَرِ، الاکْلُ بِثَلاثَةِ أَصابعَ، وَلَعْقِ الأصابعِ.

التَّأْدِیبُ: الاکْلُ مِمّا یَلیکَ، تَصْغِیرُ اللُّقْمَةِ، تَجْویدُ المَضْغِ، قِلَّةُ النَظَرِ فی وُجُوهِ الناسِ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«سزاوار است مسلمان هنگام غذاخوردن دوازده چیز را رعایت نماید. که چهارتای آن واجب (اخلاقی) و چهار امر دیگر آن سنت و سیره اسلامی است و چهارتای باقی مانده، از آداب محسوب می گردد.

اما چهار امر لازم:

۱ ـ شناسایی غذا

۲ ـ خشنود بودن بدانچه روزی ات گردیده

۳ ـ نام خدا را بر زبان جاری کردن (بسم اللّه گفتن)

۴ ـ شکر گزاری در برابر نعمتی که به تو داده شده.

اما چهار موضوعی که مراعات آن ثواب وسنّت است:

۱ ـ وضو گرفتن پیش از شروع به غذا

۲ ـ نشستن بر جانب چپ بدن

۳ ـ غذا را با سه انگشت بردارد و بخورد.

۴ ـ انگشتان خود را بلیسد.

و چهار امر باقی مانده که از ادب اسلامی به شمار می رود:

۱ ـ لقمه را از جلو خویش بگیرد

۲ ـ لقمه های غذا را کوچک بردارد

۳ ـ غذا را خوب بجود

۴ ـ به صورت دیگران نگاه نکند.»

من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۲۲۷، ح۳۸.

حدیث۱۷۲

امام حسن علیه السلام :

قـالَ الحَسنُ علیه السلام :

«غَسْلُ الیَـدَیْنِ قَبْـلَ الطَعامِ

یُنْفِی الفَقْرَ وَبَعْدَهُ یُنْفِی الهَمَّ.»

ـ اثنی عشریهٔ، ص۵۵، و نیز حدیث فوق از امام صادق ـ ع ـ نقل شده. ر.کـ : فروع کافی، ج۶، ص ۲۹۰.

«شستشوی دو دست قبل از غذا،

فقر و بیچارگی را از بین می برد

و بعد از غذا، غم و غصه را از بین می برد.»

حدیث۱۷۳

امام حسن علیه السلام :

«إنَّکُمْ أَخْرَبْتُمْ آخِرَتَکُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْیاکُمْ،

فَأَنْتُمْ تَکْرِهُونَ النُّقْلَهَ مِنَ الْعُمْرانِ إلی الخَرابِ.»

مردی از امام مجتبی علیه السلام پرسید: چرا سفر مرگ برای ما ناخوش آیند است و از او استقبال نمی کنیم؟! حضرت فرمود:

« شـما خـانه آخرت را خراب کرده ایـد و خـانه دنیـا را آبـاد، طـبیعی اسـت که انتقـال از اقامتگـاه آبـاد به جایگـاه خراب برای شـما ناخوشایند است .»

بحارالانوار، ج۴۴، ص ۱۱۰، ح ۱.

حدیث۱۷۴

امام حسن علیه السلام :

«إنّی لِلّهِ سـائِلٌ، وَفیهِ راغِبٌ، وَأَنـا أَسْـتَحْیی أنْ أَکُونَ سائِلًا وَأَرُدَّ سائِلًا، وَإنَ اللّه َ عَوَّدَنی عادَهً أنْ یـُفیضَ نِعَمَهُ عَلَیَّ وَعـَوَّدْتُهُ أنْ أَفیضَ نِعَمَهُ عَلَی النّاسِ

فَأَخْشی إنْ قَطَعْتُ العادَهَ أنْ یَمْنَعَنی العادَهَ.»

گروهی در محضر امام مجتبی علیه السلام بودند، از حضرت سؤال کردند:

«چگونه است که شما هرگز سائل و نیازمندی را ناامید برنمی گردانید، گرچه سوار بر اشتر، در حالت رفتن باشید؟

«فرمود: من هم به درگـاه خداونـد محتاج و سائلم و می خواهم که خداونـد مرا محروم نگردانـد و شـرم دارم که با چنین امیـدواری، سائلان را ناامیـد کنم، خـدایی که نعمتهایش را بر من ارزانی داشـته، می خواهـد که من هم به مردم کمک کنم و می ترسم که اگر بخشش خود را از مردم دریغ دارم، خداوند هم به من عنایتش را دریغ دارد و منع نماید.

نورالابصار، شبلنجی، ص۱۲۳؛ کنز المدفون، جلال الدین سیوطی، ص۴۳۴؛ به نقل از بلاغهٔ الامام الحسن علیه السلام، ص۱۳۵.

حدیث۱۷۵

امام حسن علیه السلام :

«أَنْتِ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللّه !» فَقیلَ لَهُ فی ذلِکَ:

فقال علیه السلام: «هکَذا أَدَّبَنا اللّهُ ـ تعالی ـ قالَ: (إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها)

انس بن مالک می گوید: یکی از کنیزان امام مجتبی علیه السلامدسته گلی را بـه آن حضـرت هـدیه کرد. حضـرت در پاسـخ بـه او فرمود:

تو را در راه خدا آزاد نمودم. پس از این پاسخ زیبا، بعضی گفتند: در برابر یک دسته گل آزادی او، یعنی چه؟!

حضـرت فرمود: خداونـد اینگونه مـا را تربیت نموده است؛ زیرا فرموده: آنگاه که جهت احترام به شـما، هـدیه ای دادنـد و یا تهنیتی فرستادند، شما با وضع بهتری پاسخگوی تحیّت آنان بـاشید. و سپـس فـرمود: برتر از هدیه او، آزادی و رهاییش بود.

ـ نساء : ۸۵

حدیث۱۷۶

امام حسن علیه السلام :

«عَجِبْتُ لِمَنْ یَتَفَکَّرُ فی مَأْکُولِهِ

کَیْفَ لا یَتَفَکَّرُ فی مَعْقُولِهِ،

فَیُجَنِّبُ بَطْنَهُ ما یُؤْذیهِ، وَیُودِعُ صَدْرَهُ ما یُرْدِیهِ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«در شـگفتم از کسـی که درباره خوراکیهای خود انـدیشه و تأمل می کنـد و لیکن درباره نیازمنـدیهای فکری و عقلی اش تأمل نمی کند، پرهیز می کند از آنچه معده اش را اذیت می نماید و سینه و قلب خود را از پست ترین چیزها پر می کند.»

ـ بحارالانوار، ج۱، ص۲۱۸

حدیث۱۷۷

امام حسن علیه السلام :

«أَخْرَبْتَ دارَکَ وَعَمَّرْتَ دارَ غَیْرِکَ

أَحَبَّکَ مَنْ فِی الأَرْضِ وَمَقَّتَکَ مَنْ فِی السَّماءِ.»

مردی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و گفت: آقا! خانه ای تازه ساخته ام دوست دارم در آن منزل جهت تیمن و تبرک داخل شوید و دعا کنید، امام علیه السلام به منزل آن شخص داخل شد و نگاهی به اطراف کرد و فرمود:

«ویران کردی خانه خویش را و آبادی کردی خانه دیگران را، زمینیها دوستدار تو شدند و عرشیان دشمن تو.»

الارشاد لمن طلب الرشاد، شیخ حسن نائینی، ص۹۵.

حدیث۱۷۸

امام حسن علیه السلام :

«حُسْنُ السُؤالِ نِصْفُ الْعِلْم

وَمُداراةُ الناسِ نِصْفُ العَقْلِ

وَالْقَصْدُ فِی المَعیشَةِ نِصْفُ المَؤُونَةِ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«پرسش صحیح و نیکو، نیمی از دانش است.

سازش و مدارا نمودن با مردم نیمی از تدبیر و اندیشه انسانی است.

میانه روی و مراعات اقتصاد در زندگی، نیمی از مخارج انسان را می کاهد.»

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۴، ص۳۳۳ چهار جلدی.

حدیث۱۷۹

امام حسن علیه السلام :

«اَئِمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله اِثْنا عَشَرَ

تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ أَخیالحُسَین،

وَمِنهُم مَهْدِیُّ هذِهِ الاُمَّةِ.»

اصبغ بن نباته می گوید امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«امامان و پیشوایان بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهدوازده نفر هستند که نُه نفر آنها از فرزندان برادرم حسین می باشند و از جمله آنها: مهدیِ این امّت است.»

معجم احادیث الامام المهدی، ج۳، ص ۱۷۱ به نقل از اثبات الهداة، ج۱، ص۵۹۹-۵۹۸، ب۹، ف۲۷، ح۵۶۹؛ بحارالانوار، ج۳۶، ص۳۸۳، ب۴۳، ح۱.

حدیث۱۸۰

امام حسن علیه السلام :

«ذلِکَ التاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخیالحُسَیْنِ ابْنُ سَیِّدَةِ الإماءِ،

یُطیلُ اللّه ُ عُمْرَهُ فی غَیْبَتِهِ، ثُمَّ یُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ

فی صُورَةِ شابٍّ دُونَ أَرْبَعینَ سَنَةً،

وَذلِکَ لِیَعْلَمَ أَنَّ اللّه َ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٍ.»

امام مجتبی علیه السلام فرمود:

«آن نهمین نفر، از فرزندان برادرم حسین فرزند اشرف کنیزان ـ نرجس ـ است، در دوران غیبتش خداوند طولانی می کند عمرش را، سپس او را به قدرت خویش به صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد، آشکار خواهد ساخت.

تا بدینوسیله خداوند ثابت کند که بر ایجاد همه اشیاء قادر و توانا است.»

اِکمال الدین، ج۱، ص۳۱۵، ب۲۹، ح۲؛ اعلام الوری، الطبرسی، ص۴۰۱، ب۲، ف۲؛ بحارالانوار، ج۱۴، ص۳۹۴، ب۲۴، ح۱۲؛ احتجاج طبرسی، ج۲، ص۱۰، مکتبة المصطفوی بقم.

حدیث۱۸۱

امام حسن علیه السلام :

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».